



Typology and Quantitative Study of the Application of the Concept of “Jahiliyah” (Ignorance) in the Statements of the Innocents (PBUH)

Mohammad Ali Tohidinia¹

1 .Ph. D candidate of history of Islam, Baqir al- Olum University, Qom, Iran. Email: ma.tohidinia@gmail.com

Abstract:

The term “Jahiliyah” (Ignorance) is the most important and obvious term used to describe the social structure and behavioral, moral and religious characteristics of the people of the Hijaz region during the years before the advent of Islam. A review of Shia hadith sources declares that the infallibles (pbuh) have also used this term in their statements on many issues and in various instances. In the following article, firstly, the typology and then the quantitative and comparative analysis of the classified news are mentioned, and its results are used in order to achieve the general framework of the thought of the innocents (PBUT) about the age of “Jahiliyah” (Ignorance), rereading the instances and how of remembering the period of “Jahiliyah” (Ignorance). The results of the research show that the views of the Innocents (PBUT) about the Age of “Jahiliyah” (Ignorance) are aligned with each other; the difference is that this term was used by each of the innocents in accordance with different purposes, and the fact that it was used in a few or many cases in different periods, as well as the delay in the variety of topics and examples, can provide new insights about the perspective of the innocents (PBUT) towards the concept of ignorance.

Keywords: traditions of the innocents (PBUT), “Jahiliyah” (Ignorance), age of “Jahiliyah” (Ignorance), Hijaz.

Article Info:

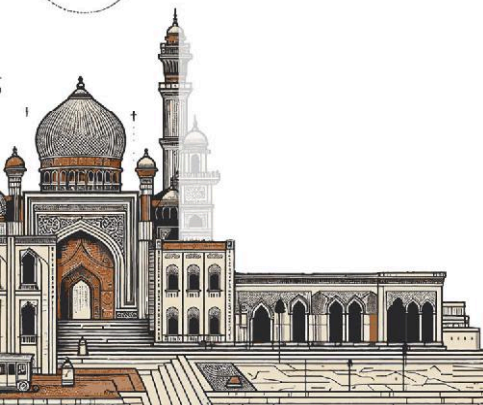
Article type: Research Article

Article history: *Received* November, 15, 2019
Received in revised form March, 27, 2020
Accepted April, 13, 2020
Published online March 29, 2024

Cite this article:

Tohidinia, M.A. (2024). Typology and Quantitative Study of the Application of the Concept of “Jahiliyah” (Ignorance) in the Statements of the Innocents (PBUH). *History of Islam*, 25(1), 7-41. <https://doi.org/10.22081/hiq.2023.56038.1975>

History of Islam || 2024, Volume 25, Issue 97



Bagher Al-Olum University



ISSN 2783-414X

Publisher: Bagher Al-Olum University. © The Author(s).



تصنيف و دراسة لما ورد في كلام المعصومين عليه السلام حول مفهوم «الجاهلية»

محمد علي توحيدى نيا^١

١. طالب مرحلة الدكتوراه، قسم تاريخ الاسلام في جامعة باقر العلوم عليه السلام، قم، إيران. البريد الإلكتروني: ma.tohidinia@gmail.com

الملخص:

يعتبر مصطلح "الجاهلية" من أهم وأبرز المصطلحات التي تستخدم لتوضيح البنية الاجتماعية والخصائص السلوكية الأخلاقية والعقائدية لأهالي منطقة الحجاز خلال السنوات التي سبقت ظهور الإسلام. تظهر مصادر الحديث لدى الشيعة أنّ المعصومين عليهم السلام استخدموا هذا المصطلح أيضاً في تصريحاتهم وفي العديد من المواضيع والأحاديث، وفي مصادر مختلفة.

في هذه المقالة سنتطرق للحديث حول المعنى الأصلي، بالإضافة الى تصنيف ودراسة تطبيقية للأخبار الواردة عن لسان المعصومين عليهم السلام وذلك بهدف التوصل إلى نتيجة إجمالية لما ورد عنهم عليهم السلام حول عصر الجاهلية، وكذلك تبين المصاديق لذلك وكيفية التعبير عنها من قبلهم. تشير نتائج هذه المقالة الى أن نظرة المعصوم لمرحلة الجاهلية مختلفة عن غيره، وهذا الاختلاف يعود الى أن استخدام المعصوم للمصطلح يتناسب مع الأهداف، ويرتبط باقتضاء الحاجة الى ذكرها في المراحل المختلفة وحسب تنوع المواضيع والمصاديق، علاوة على ذلك، تسليط الضوء على الزوايا الحديثة لنظرة المعصومين عليهم السلام لمفهوم الجاهلية.

الكلمات المفتاحية: روايات المعصومين عليهم السلام، الجاهلية، عصر الجاهلية، الحجاز.

اطلاعات المقالة:

نوع المقالة: بحثية

تاريخ الاستلام: ٢٠١٩/١١/١٥ | تاريخ المراجعة: ٢٠٢٠/٠٣/٢٧ | تاريخ القبول: ٢٠٢٠/٠٤/١٣ | تاريخ النشر: ٢٠٢٤/٠٣/٢٩

استشهاد به هذا المقال:

توحيدى نيا، محمد علي (٢٠٢٤). تصنيف ودراسة لما ورد في كلام المعصومين عليهم السلام حول مفهوم «الجاهلية». تاريخ الإسلام، ٢٥(١)، ٧-٤١.

<https://doi.org/10.22081/hiq.2023.56038.1975>

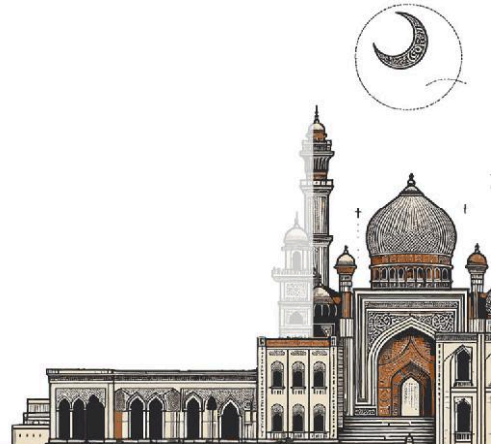


بیت پژوهش



ISSN إلكتروني
٢٧٨٣-٤١٤٧

الناشر: جامعة باقر العلوم عليه السلام. © المؤلفون.





چکیده:

واژه «جاهلیت»، مهم‌ترین و بارزترین اصطلاحی است که در یادکرد ساختار اجتماعی و ویژگی‌های رفتاری، اخلاقی و اعتقادی مردم منطقه حجاز در سالیان پیش از ظهور اسلام، به‌کار رفته است. مرور منابع حدیثی شیعه، نشان می‌دهد که معصومان علیهم‌السلام نیز در بیانات خود از این واژه در موضوعات متعدد و در مصادیق گوناگون استفاده کرده‌اند. در مقاله پیش رو، ابتدا به گونه‌شناسی و سپس به بررسی کمی و تطبیقی اخبار دسته‌بندی شده، اشاره شده و رهاورد آن در جهت دستیابی به چارچوب اجمالی اندیشه معصومان علیهم‌السلام درباره عصر جاهلیت و بازخوانی مصادیق و چگونگی یادکرد از دوره جاهلیت، مورد استفاده قرار گرفته است. نتایج تحقیق، نشان‌دهنده همسو بودن دیدگاه معصومان علیهم‌السلام با یکدیگر درباره عصر جاهلیت است؛ بااین‌تفاوت که این اصطلاح، از سوی هریک از معصومان علیهم‌السلام متناسب با اهداف متفاوت به‌کار رفته است و کم‌شمار یا پُرشمار بودن کاربرد آن در دوره‌های مختلف و نیز درنگ در تنوع موضوعات و مصادیق آن، می‌تواند زوایای تازه‌ای درباره نگاه معصومان علیهم‌السلام نسبت به مفهوم جاهلیت را آشکار نماید.

کلیدواژه‌ها: روایات معصومان علیهم‌السلام، جاهلیت، عصر جاهلیت، حجاز.

اطلاعات مقاله:

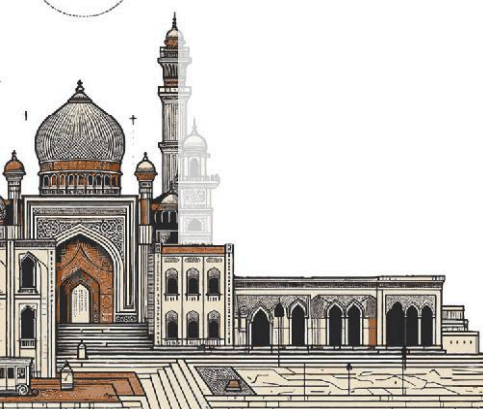
نوع مقاله: پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۸/۲۴ | تاریخ بازنگری: ۱۳۹۹/۰۱/۰۸ | تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۱/۲۵ | تاریخ انتشار: ۱۴۰۲/۰۱/۱۰

استناد:

توحیدی نیا، محمدعلی (۱۴۰۳). گونه‌شناسی و بررسی کمی کاربست مفهوم «جاهلیت» در بیانات معصومان علیهم‌السلام. تاریخ اسلام. (۱)۲۵. ۴۱-۷.

<https://doi.org/10.22081/hiq.2023.56038.1975>



شاپا الکترونیکی
۲۷۸۳-۴۱۴۷



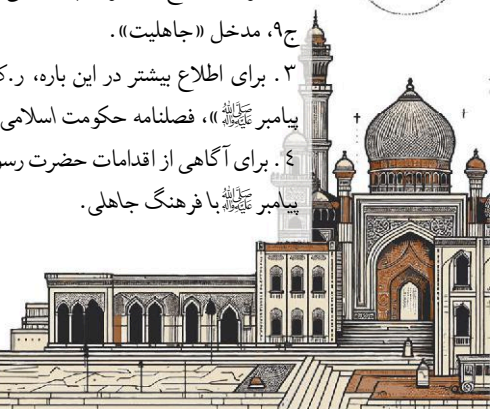
مقدمه

کاربرد مفهوم «جاهلیت»، از دیرباز^۱ به منظور توجه به ویژگی‌های اخلاقی و اعتقادی سالیان پیش از ظهور اسلام در حجاز بوده است.^۲ البته باید توجه داشت که برخی از این ویژگی‌های مذموم که سالیان دراز در کالبد و ساختار جامعه حجاز نفوذ یافته بود، به یک‌باره از آنان جدا نگردید؛ چه آنکه پس از ظهور اسلام و دوره نبوت نبی اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ (۱۰ق) در مکه و مدینه و پس از رحلت آن حضرت و دوره خلفا و حتی پس از آن، ویژگی‌هایی که ریشه در آداب و رسوم و عقاید و باورهای جاهلیت داشت، پابرجا ماند و هرازچندگاهی در رویدادها و صحنه‌های مهم تاریخ اسلام، خود را نشان می‌داد.^۳ همین امر، سبب شد تا اصطلاح «جاهلیت» که آینه تمام‌عیار سنت‌ها و سبک‌فکر و زندگی در ساختار قبیله‌ای — مبتنی بر سه رکن: نسب، عصب و حسب — در حجاز بود و مدتی بعد آثار آن در مناطق دیگر چون عراق و شامات رخ نمود، مورد توجه معصومین عَلَيْهِمُ السَّلَام به‌عنوان هادیان امت، در جهت تبیین ابعاد مختلف آن دوران و اصلاح و مذمت آن ابعاد، قرار گیرد. به‌طور طبیعی، آنان بیش از هر چیز تلاش می‌نمودند تا مبادا پیروانشان با غفلت به دسته جاهلان و بازماندگان‌شان از آن عصر و یا همفکران آنان پیوندند.^۴

پیشینه تحقیق

پیشینه پژوهش درباره عصر جاهلیت نشان می‌دهد که تاکنون کمتر به روایات معصومین عَلَيْهِمُ السَّلَام به‌عنوان یک کل در مواجهه با ویژگی‌های دوران جاهلیت توجه شده است. در بین تحقیقات انجام‌گرفته و برای نمونه، محمدعلی امانی در کتاب سنن جاهلی و روش

۱. چنان‌که در آیه ۱۵۴ سوره آل‌عمران از «ظَنُّ الْجَاهِلِيَّةِ»، در آیه ۵۰ سوره مائده از «حکم الجاهلیة»، در آیه ۳۳ سوره احزاب از «تَبْرَجِ الْجَاهِلِيَّةِ» و در آیه ۲۶ سوره فتح از «حَمِيَةِ الْجَاهِلِيَّةِ» نام برده شده است.
۲. برای اطلاع بیشتر از چگونگی عَلم شدن این واژه، ر.ک: اسماعیل باغستانی، دانشنامه جهان اسلام، ج ۹، مدخل «جاهلیت».
۳. برای اطلاع بیشتر در این باره، ر.ک: جواد سلیمانی، «چگونگی و چرایی بازگشت به جاهلیت در جامعه پس از پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ»، فصلنامه حکومت اسلامی، ش ۵۰، ص ۱۸۶-۲۱۸.
۴. برای آگاهی از اقدامات حضرت رسول صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در این باره، ر.ک: سید صفیه میرحسینی و ابراهیم فلاح، شیوه‌های مبارزه پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ با فرهنگ جاهلی.





برخورد قرآن کریم^۱ این موضوع را از دیدگاه قرآن دنبال کرده است یا برخی این موضوع را در نهج البلاغه دنبال کرده‌اند که برای مثال، می‌توان به مقاله «روش‌شناسی مواجهه امام علی علیه السلام با فرهنگ اخلاقی جاهلیت در نهج البلاغه» تألیف محسن قاسم‌پور و پروین شناسوند، و همچنین مقاله «معیارهای سنجش نسبت جامعه با جاهلیت در نهج البلاغه» تألیف هانیه بیک، شهلا بختیاری و غلامرضا ظریفیان، اشاره کرد؛ اما تحقیقی که به گونه‌شناسی کاربرد مفهوم «جاهلیت» و بررسی کمی آن در بیانات معصومین علیهم السلام پرداخته باشد، دیده نشد. در نوشته حاضر، این مسئله پیش روی قرار دارد که اصطلاح «جاهلیت» در چه اشکال و گونه‌هایی و در هریک از گونه‌ها به چه تعداد، در بیانات به‌دست‌رسیده از معصومین علیهم السلام در منابع شیعی رخ نموده است؟ و در ادامه، تلاش شده با بهره‌مندی از روایات نقل‌شده از معصومین علیهم السلام در منابع شیعی که در ذیل گونه‌هایی قابل دسته‌بندی است، به این مسئله پاسخ داده شود.

شایان ذکر است که تکیه بر یک اصطلاح با محور قرار دادن منابع شیعی با وجود فراهم آوردن محدودیت‌هایی، سبب دقت بالاتر مطالعات گونه‌شناسانه و کمی خواهد بود. باید تأکید نمود که با نگاهی اجمالی به منابع تاریخی و روایی، روشن می‌شود که پُرکاربردترین و جامع‌ترین اصطلاح برآمده از عصر پیش از اسلام در منطقه حجاز و ویژگی‌های آن، اصطلاح «جاهلیت» است و می‌توان دیدگاه معصومین علیهم السلام در مورد این عصر را با ویژگی‌ها و پیامدهای آن، از طریق پیگیری موارد کاربرد این مفهوم در روایات نقل‌شده از ایشان، تا میزان قابل توجهی شناسایی کرد.

با پاسخ به مسئله یادشده که مبتنی بر مطالعه کتابخانه‌ای و جست‌وجوی کاربرد اصطلاح موردنظر در منابع، و سپس دسته‌بندی و شمارش روایات به‌دست‌آمده ارائه می‌گردد، مقدماتی برای طرح پرسش‌های جدی‌تری در باب دیدگاه ائمه علیهم السلام در مورد جاهلیت فراهم خواهد گشت. از جمله آنکه در میان مباحثی که معصومان علیهم السلام در مورد جاهلیت مطرح نمودند، کدام‌یک از آنان پُرشمارتر و به‌تبع آن، مهم‌تر یا پُرکاربردتر بوده است؟ دیگر آنکه با در نظر داشتن عنصر زمان، آیا در بیان معصومین علیهم السلام سیری از جهت تکیه بر عناصر گوناگون عصر

۱. محمدعلی امانی، سنن جاهلی و روش برخورد قرآن کریم.





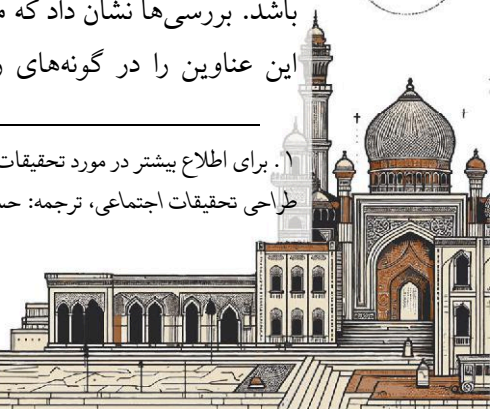
جاهلیت قابل مشاهده است؟ و بالأخره آنکه چه رویدادها و رخدادهایی زمینه به‌کارگیری مفهوم جاهلیت در بیان معصومین علیهم‌السلام شده؟ یا چه اهدافی به‌طورکلی، از سوی ائمه علیهم‌السلام با بهره‌گیری از این اصلاح مدنظر ایشان بوده است؟

نکته پایانی در مورد روش تحقیق آنکه مقام پرداختن به مطالعات کمی در تحقیق حاضر، پس از گونه‌شناسی است؛ به‌عبارت‌دیگر، مطالعه کمی، روش و ابزاری برای تبیین گونه‌های به‌دست‌آمده در تحقیق است. بنابراین، مباحث مقاله حاضر در سه بخش: «گونه‌های شناسایی شده در منابع»، «بررسی کمی گونه‌های شناسایی شده» و «تحلیل نتایج بررسی‌های گونه‌شناسانه و بررسی‌های کمی» ارائه می‌شود.

۱. گونه‌های شناسایی شده در منابع

گونه‌شناسی، شیوه‌ای برای طبقه‌بندی رویدادها، کش‌ها و اشیا به گروه‌های متمایز است و هدف استقلالی آن، شناسایی مشابهت‌ها، الگومند ساختن آن و مشخص نمودن رابطه بین الگوها در میان گستره‌ای از تنوع‌ها و تفاوت‌ها بر اساس معیار و ملاکی یکسان و پذیرفته شده است. یک پژوهش گونه‌شناسانه، بر اساس یکی از شیوه‌های قیاسی یا استقرایی صورت می‌گیرد. در گونه‌شناسی به شیوه قیاسی، انواع گونه‌ها به لحاظ مفهومی و نظری در ذهن پروراندن شده و پس از دستیابی به مدل، نمونه آماری در گونه‌های خاص قرار می‌گیرند؛ اما در گونه‌شناسی به شیوه استقرایی، ابتدا داده‌ها جمع‌آوری شده و سپس، با روش‌ها و آزمون‌های آماری، گونه‌های مختلف ساخته می‌شوند. در هر اقدام گونه‌شناسانه، مهم‌ترین نکته تعیین دقیق موضوع و معیار گونه‌شناسی با توجه به هدف تحقیق است.^۱ نوشته حاضر، بررسی گونه‌شناسانه خود را بر اساس کاربرد اصطلاح «جاهلیت» در بیان معصومین علیهم‌السلام بر اساس شیوه استقرایی صورت داده است؛ البته شواهد نادری نیز ممکن است بدون لحاظ این اصطلاح، مورد توجه قرار گرفته باشد و در نتیجه، در بررسی کمی و تحلیل نیز تأثیرگذار بوده باشد. بررسی‌ها نشان داد که می‌توان با توجه به عنوان‌بندی هر یک از روایات به‌دست‌آمده، این عناوین را در گونه‌های زیر به شکلی منسجم ارائه داد. بنابراین، ملاک نهایی در

۱. برای اطلاع بیشتر در مورد تحقیقات گونه‌شناسانه، ر.ک: خدیجه سفیری، روش‌های پژوهش کیفی؛ بلیکی، نورمن، طراحی تحقیقات اجتماعی، ترجمه: حسن چاوشیان.





گونه‌شناسی، بر اساس استقرای صورت‌گرفته در مضامین بیانات معصومین علیهم السلام می‌باشد که در گونه‌های زیر قابل مشاهده است:

الف. عناصر برجسته نظام اجتماعی در عصر جاهلیت

نظام اجتماعی در یک تعریف عبارت است از مجموعه نقش‌های اجتماعی و یا سیستم اجتماعی کنش متقابل بین شخصیت‌ها و نهادها؛ و در مطالعه این روابط می‌توان به ویژگی‌هایی دست‌یافت که به‌نوعی هویت آن نظام را روشن می‌کند. این ویژگی‌ها خود را در بیشتر موارد در کنش‌ها و واکنش‌ها و ذیل رفتار شخصیت‌ها و نهادها نمایان می‌سازد.^۱ در ادامه به برخی از ویژگی‌های نظام اجتماعی عصر جاهلی که در روایات معصومین علیهم السلام موردتوجه قرار گرفته، اشاره می‌گردد.

نخست: عصبیت

نظام حاکم بر اعراب جاهلی، نظام قبیله‌گی بوده و اساس این نظام، عصبیت نسبت به اهل، عشیره و سایر متفرعات است.^۲ این عصبیت در حقیقت، به منزله روح قبیله می‌باشد و نشان می‌دهد که افراد، چقدر به قبیله خود وابستگی دارند. به‌طور کلی، می‌توان گفت عصبیت قبیله، مانند وطن‌پرستی افراطی است و فرد باید از همه جهت، دل‌بسته به قبیله خود باشد و حتی قبیله حق دارد تقاضا کند از همسران خود دوری گزینند.^۳ بر این اساس، قوم و قبیله، واحد مستقلی است که باید در همه چیز، به خود تکیه داشته باشد و قوم و قبیله دیگر را شکار قانونی خود بداند.^۴ در روایات معصومین علیهم السلام، این ویژگی مورد مذمت قرار گرفته است و در ادامه، به برخی بیانات ایشان که با به‌کارگیری اصطلاح جاهلیت، این ویژگی را مورد توجه قرار داده‌اند، اشاره می‌شود.

امام علی علیه السلام (۴۰ق)، عصبیت را از ویژگی‌های جاهلیت دانسته و با نکوهش تکبر و خودپسندی، به خاموش کردن شراره‌های تعصب و کینه‌های جاهلی از قلوب فرمان می‌دهد.^۵ حضرت به شش دسته اشاره دارد که به دلیل دارا بودن شش ویژگی، خداوند عذابشان می‌کند؛

۱. جورج ریتزر، نظریه جامعه‌شناسی در دوران معاصر، محسن ثلاثی، ص ۷۶.

۲. ر.ک: جواد علی، المفصل فی تاریخ العرب قبل الاسلام، ج ۴، ص ۳۹۳.

۳. ر.ک: فیلیپ حتی، تاریخ عرب، ص ۳۸.

۴. همان، ص ۳۸.

۵. نهج البلاغه، ج ۲، خطبه ۱۹۲، ص ۱۴۱.



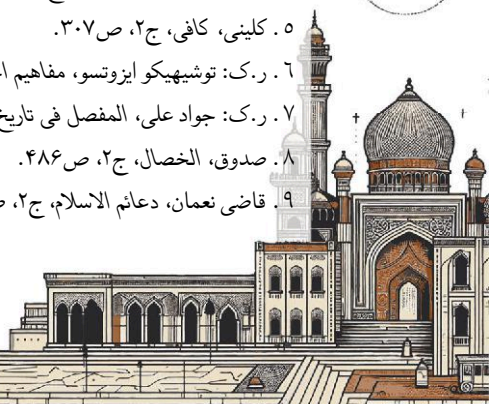


از جمله آنها، عصبیت می‌باشد.^۱ حضرت در این روایت، عصبیت را نه به‌عنوان ویژگی مردم در عصر جاهلیت، بلکه به‌عنوان ویژگی عرب برشمرده است که به‌موجب آن، عذاب می‌شوند. این بیان حضرت را شاید بتوان نشانگر بقای این ویژگی جاهلی در میان توده‌هایی از مردم در دوران حیات ایشان دانست که زمینه اعراض از حق و حقیقت را فراهم می‌کرده است. شاهد این سخن را می‌توان در بیانی دیگر از حضرت در خطبه قاصعه مشاهده نمود که بنا بر سخن ابن میثم، در اواخر خلافت امام علی علیه السلام ایراد شده است.^۲

نزد عرب، نزدیکان مرد، «اطراف» نامیده می‌شود و وقتی این نزدیکان دور او جمع شده و وی را احاطه کنند، آنها را «عصبه» می‌نامند.^۳ عصبیت، یعنی اینکه مرد عصبه خود را برای اینکه وی را یاری کنند، فرابخواند و آنها نیز وی را، چه ظالم باشد و چه مظلوم، یاری نمایند.^۴ این معنا و تعریف از عصبیت، در روایتی از امام سجاد علیه السلام (۹۵ق) در پاسخ به سؤالی در مورد معنای عصبیت اشاره شده است.^۵

نکته دیگر درباره ویژگی عصبیت آنکه خون‌خواهی و گرفتن انتقام کشته‌شدگان، با اندیشه مجد و شرف در نزد اعراب، ارتباط بسیار نزدیک داشته و این خون‌خواهی، بالاترین آرمان و کمال مطلوب اخلاقی در میان اعراب جاهلی به شمار می‌رفت.^۶ قاعده در نزد عرب جاهلی، این بود که خون را جز خون نمی‌شوید و اگر خون را با مالی که خاندان مقتول از خاندان قاتل می‌گرفتند، عوض می‌کردند، یک نقص و ذلتی می‌دانستند که هیچ‌کس جز ضعیف‌النفس‌ها آن را قبول نمی‌کنند و در هنگام خون‌خواهی نیز کسی را به جای مقتول می‌کشتند که در مقام، منزلت، شأن و جایگاه، هم‌عرض مقتول باشد.^۷ حضرت رسول صلی الله علیه و آله (۱۰ق)، این ویژگی دوران جاهلی را نفی کرده و هر خونی را که در جاهلیت ریخته شده، هدر و بی‌ارزش^۸ و بنا بر نقلی، زیر قدم‌هایشان تا روز قیامت دانستند.^۹

۱. صدوق، الخصال، ج ۱، ص ۱۵۸.
۲. نهج البلاغه، ج ۲، خطبه ۱۹۲، ص ۱۴۱؛ ابن میثم، شرح نهج البلاغه، ج ۴، ص ۲۳۳ و ۲۳۴.
۳. محمدعلی امانی، سنن جاهلی عرب و روش برخورد قرآن کریم، ص ۱۲۸.
۴. جواد علی، المفصل فی تاریخ العرب قبل الاسلام، ج ۴، ص ۳۹۳؛ ابن منظور، لسان العرب، ج ۱، ذیل واژه «عصب».
۵. کلینی، کافی، ج ۲، ص ۳۰۷.
۶. ر.ک: توشیهیکو ایزوتسو، مفاهیم اخلاقی - دینی در قرآن، ص ۱۳۶.
۷. ر.ک: جواد علی، المفصل فی تاریخ العرب قبل الاسلام، ج ۴، ص ۳۹۹ و ۴۰۰.
۸. صدوق، الخصال، ج ۲، ص ۴۸۶.
۹. قاضی نعمان، دعائم الاسلام، ج ۲، ص ۱۹۸؛ صدوق، معانی الأخبار، ص ۲۰۷.





از دیگر مظاهر عصبیت، کمک‌خواهی یا استغاثه بود. در این صورت، اگر کسی از اهل و عصبه یا از افراد قبیله‌اش، یا از افراد هم‌پیمان با قبیله‌اش، صدای او را بشنود، باید دست یاری و کمکش را به او بدهد و در غیر این صورت، عرف آن را ناپسند شمرده و بر او عیب می‌گرفتند و گاهی اوقات که قوم یا افراد مرتبط با او، در یاری او، کندی به خرج می‌دادند، یا اینکه او را اجابت نمی‌کردند، قومش را هجو می‌کرد، از آنها برائت جسته و به قومی دیگر ملحق می‌شد.^۱ حضرت رسول صلی الله علیه و آله کسی را که از روی تکبر و گمراهی و به جهت عصبیت نسبت به قوم و قبیله‌ای وارد جنگ شده و کشته شود، کشته جاهلیت دانسته است.^۲ در روایتی از امام صادق علیه السلام (۱۴۸ق)، از دادن سهم غارمین به کسانی که ندای جاهلیت سر دادند، نهی شده است.^۳ به نظر می‌رسد که این روایت، به کمک خواستن فرد از قبیله خود و یا قبایل هم‌پیمان برای رویارویی و جنگ با قبیله متخاصم اشاره دارد.

شایان ذکر است، علاوه بر روایاتی که عصبیت را به‌عنوان یکی از ویژگی‌های عصر جاهلی مطرح نموده است، روایات متعدد دیگری نیز این ویژگی را بدون ذکر اصطلاح «جاهلیت»، مورد مذمت قرار داده و این ویژگی را از شعبه‌های خشم‌ورزی^۴ و موجب باز شدن رشته ایمان از گردن متعصب، برانگیخته شدن همراه با اعراب جاهلی در قیامت و بسته شدن سربندی از آتش بر سر وی در قیامت دانسته‌اند.^۵

دوم: تفاخر

تفاخر از ریشه «فخر»، به معنای فخرفروشی و مباحات نسبت به امور مادی و معنوی، مانند: مکارم، محاسن، صفات انسانی و... است.^۶ امام باقر علیه السلام (۱۱۴ق) فخرفروشی به

۱. ر.ک: جواد علی، المفصل فی تاریخ العرب قبل الاسلام، ج ۴، ص ۴۰۲.

۲. سید رضی، مجازات النبویه، ص ۳۳۳.

۳. عباشی، تفسیر عباشی، ج ۲، ص ۹۴.

۴. کلینی، کافی، ج ۲، ص ۳۹۳ و ۳۹۴.

۵. برای آگاهی از این موارد و غیر از آن، برای نمونه ر.ک: کلینی، کافی، ج ۲، ص ۳۰۷، باب العصبیه؛ مجلسی، بحار الأنوار، ج ۷۰، باب العصبیه والفخر والتکاثرفی الأموال والأولاد وغیرها.

۶. ابن منظور، لسان العرب، ج ۱۰، ص ۱۹۸، ذیل واژه «فخر»؛ طبرسی، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۲، ص ۴۵۰. تفاخر و مفاخره، به این صورت بود که دو نفر یا دو قبیله، در برابر هم به ذکر و شمردن مفاخر خود می‌پرداختند؛ تا اینکه بالأخره، یکی از این دو مغلوب می‌شد و یا در ردیف هم قرار می‌گرفتند. برای اطلاع بیشتر، ر.ک: یحیی نوری، اسلام و عقاید و آرای بشری یا جاهلیت و اسلام، ص ۷۰۶.





انساب و دودمان را از اعمال و کردار جاهلیت برشمرده^۱ و در بیانی، به چگونگی فخرفروشی به پدران در آن دوران اشاره دارد.^۲ بر اساس نقل امام باقر علیه السلام، حضرت رسول صلی الله علیه و آله به برخی ویژگی‌های جاهلی اشاره کرده و فرموده: «خداوند با اسلام، تکبر و فخرفروشی‌ها و نَسَب‌های والای جاهلی را از بین برد و در نتیجه، امروز همگی از سپیدپوست و سیاه‌پوست و عرب و عجم، از آدم علیه السلام هستند.»^۳ در قسمتی از وصایای پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به امام علی علیه السلام که توسط امام صادق علیه السلام نقل گردیده نیز حضرت اسلام را از بین‌برنده غرور و تفاخر جاهلی دانسته است.^۴

امام باقر علیه السلام در بیانی دیگر، به سخنان حضرت رسول صلی الله علیه و آله در روز فتح مکه اشاره دارد که بر روی منبر فرمود: «ای مردم، خداوند نخوت و تکبر و افتخار به پدران در دوران جاهلیت را از میان برد.»^۵ پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در روایت دیگر، مردم را به رها کردن فخرفروشی‌های دوران جاهلی فرمان داده و اگر آن‌را رها نکنند، آنها را نزد خداوند متعال مبعوض‌تر از برخی حشرات (خنافس) معرفی کرده است.^۶ امام علی علیه السلام نیز در خطبه قاصعه، مردم را از تکبر و خودپسندی و تفاخر جاهلی برحذر داشته و این ویژگی‌ها را جایگاه بغض و کینه و رشد و سوسه‌های شیطانی دانسته است.^۷ حضرت در این خطبه، پس از نهی مردم در پیروی و اطاعت سران و بزرگان‌شان که به اصل و حسب خود می‌نازند و خود را بالاتر از آنچه هستند می‌پندارند، آنان را شالوده تعصب جاهلی، ستون‌های فتنه و شمشیرهای تفاخر جاهلیت برمی‌شمارد.^۸

طعن و بدگویی در مورد انساب دیگران را نیز می‌توان از جلوه‌های تفاخر دانست که در برخی روایات، از اعمال جاهلیت دانسته شده است.^۹ روایات متعددی نیز به مذمت این

۱. صدوق، معانی الأخبار، ص ۳۲۶.

۲. عیاشی، تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۹۸.

۳. کلینی، کافی، ج ۵، ص ۳۴۰.

۴. صدوق، من لایحضره الفقیه، ج ۴، ص ۳۶۳.

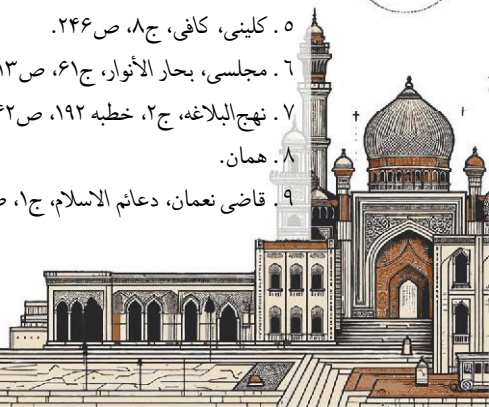
۵. کلینی، کافی، ج ۸، ص ۲۴۶.

۶. مجلسی، بحار الأنوار، ج ۶۱، ص ۳۱۳؛ ابن عدی جرجانی، الکامل، ج ۷، ص ۵۳.

۷. نهج البلاغه، ج ۲، خطبه ۱۹۲، ص ۱۴۲.

۸. همان.

۹. قاضی نعمان، دعائم الاسلام، ج ۱، ص ۲۲۶؛ صدوق، معانی الأخبار، ص ۳۲۶.





ویژگی پرداخته و بودن این ویژگی را در انسان، موجب سیاه محشور شدن در قیامت و جهنمی بودن دانسته است.^۱ بنا بر نقلی، امام صادق علیه‌السلام به فردی سفارش می‌کند که هشت طایفه را دور بینداز که یکی از آنها، افرادی هستند که به پدران خود ببالند؛ باینکه از کارهای شایسته آنان بی‌بهره‌اند.^۲

سوم: حسد و کینه‌ورزی

امام علی علیه‌السلام به پرهیز از حسد بردن به یکدیگر و کینه سفارش کرده و آن دو را از افعال جاهلیت برشمرد^۳ و در خطبه قاصعه به خاموش کردن کینه‌های جاهلی فرمان داد.^۴

چهارم: تفرقه و پراکندگی مردم

حضرت در قسمتی از خطبه قاصعه، به مضطرب بودن احوال و پراکنده بودن قدرت‌ها، و همچنین به تفرقه در میان جمعیت انبوه آنها در دوران جاهلیت اشاره نمود و بعثت حضرت رسول صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم را از نعمت‌های الهی دانسته که دعوتشان، اتحاد مردم را به دنبال داشت.^۵

پنجم: ناآگاهی از حقایق هستی

دیگر ویژگی بارز مردم در دوران جاهلیت که در روایات به آن تصریح شده، نادانی آنان نسبت به دین و خداوند و دیگر حقایق هستی است که پستی آنها را به دنبال داشت؛ به عبارت دیگر، گویی دانش و دانستن مورد بی‌اعتنایی قرار می‌گرفته است. در همین راستا، حضرت امیر علیه‌السلام در ضمن بیانی، عدم تفقه در دین را از ویژگی‌های جاهلیت دانسته و می‌فرماید: «چونان ستم‌پیشگان جاهلیت نباشید که نه از دین آگاهی داشتند و نه در خدا اندیشه می‌کردند.»^۶ ایشان در خطبه‌ای دیگر در ضمن تشریح اوضاع عصر جاهلی در هنگام بعثت حضرت رسول صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم، به جهل و نادانی مردم که موجب پستی و خواریشان شده بود،

۱. صدوق، ثواب الأعمال، ص ۲۲۸؛ برقی، محاسن، ص ۱۲۴.

۲. صدوق، الخصال، ج ۲، ص ۳۹.

۳. ابن شعبه حرانی، تحف العقول، ص ۱۵۵؛ مجلسی، بحار الأنوار، ج ۷۴، ص ۴۰۶.

۴. نهج البلاغه، ج ۲، خطبه ۱۹۲، ص ۱۴۲.

۵. همان.

۶. همان، ص ۷۷.





اشاره دارد.^۱ ظهور اسلام و آگاهی مردم از معارف دینی، سبب عزت و سربلندی مسلمانان در برابر پیروان دیگر ملل و نحل و نجات آنان از پستی دوران جاهلی گردید. امام سجاد علیه السلام با اشاره به این حقیقت، در نامه‌ای به عبدالملک می‌نویسد: «به‌راستی که خداوند به‌وسیله اسلام به افراد پست شخصیت داد و کاستی را کامل نمود و فرومایگی را شخصیت بخشید. اکنون هیچ فرومایگی برای مسلمان نیست. فرومایگی، فقط فرومایگی جاهلی است.»^۲

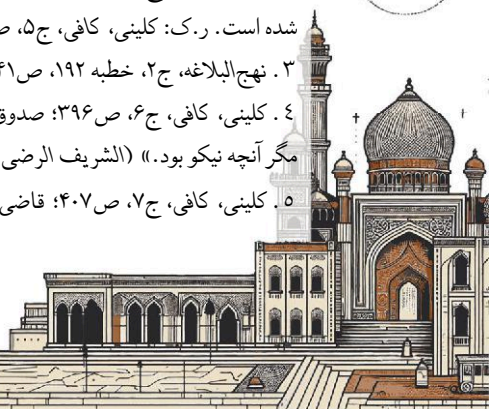
ششم: قطع رابطه با خویشاوندان و غارتگری

قطع رابطه با ارحام و غارتگری‌های پیاپی، از دیگر ویژگی‌های دوران جاهلیت است که امام علی علیه السلام در خطبه قاصعه به آن اشاره نموده است.^۳

ب. احکام و قوانین در دوران جاهلیت

از آنجاکه حضرت رسول صلی الله علیه و آله در جزیره العرب مبعوث شده و در ابتدا در آن مکان، شریعت اسلام را برای مردم تبیین و تشریح نمود، بسیاری از احکام اسلام، ناظر به آداب مرسوم در دوران جاهلیت و درصدد اصلاح آن بوده است. چنانچه آن حضرت مطابق روایتی از امام صادق علیه السلام فرمود: به جهت از بین بردن امور مربوط به عصر جاهلی مبعوث گشته است.^۴ تبیین احکام الهی و از بین بردن احکام جاهلی، از چنان اهمیتی برخوردار است که امام صادق علیه السلام در بیانی، حکم را به دو قسم «حکم الله» و «حکم الجاهلیه» منحصر نموده و اشاره دارد که هرکس از حکم الله تخطی کند، به حکم جاهلی حکم خواهد نمود.^۵ روایاتی که به موضوع جاهلیت اشاره دارند، حجم قابل توجهی را با محوریت این‌گونه، شامل می‌شوند.

۱. همان، ج ۱، ص ۱۸۶.
۲. کلینی، کافی، ج ۵، ص ۳۴۵. مضمون همین بیان از حضرت، در منابع دیگر نیز همراه با اختلافاتی در صدر و ذیل ذکر شده است. ر.ک: کلینی، کافی، ج ۵، ص ۳۴۴؛ قاضی نعمان، دعائم الاسلام، ج ۲، ص ۱۹۸.
۳. نهج البلاغه، ج ۲، خطبه ۱۹۲، ص ۱۴۱.
۴. کلینی، کافی، ج ۶، ص ۳۹۶؛ صدوق، امالی، ص ۵۰۲. حضرت رسول صلی الله علیه و آله بنا بر نقلی می‌فرماید: «امر جاهلیت، مُرد؛ مگر آنچه نیکو بود.» (الشریف الرضی، المجازات النبویة، ص ۱۸۸)
۵. کلینی، کافی، ج ۷، ص ۴۰۷؛ قاضی نعمان، دعائم الاسلام، ج ۲، ص ۵۲۹.





پیش از ورود به این دسته از اخبار، باید گفت که در میان اخبار، دو گونه روایات مشاهده شد که به صورت کلی، به احکام و قوانین این عصر که از دین حنیف باقی مانده بود، توجه دارند. مطابق خبر نخست، امام صادق علیه السلام عرب دوران جاهلی را نسبت به مجوس، به دین حنیف نزدیک‌تر دانسته و در مقام بیان دلیل، به اعمالی چون: غسل جنابت، ختنه کردن، غسل میت، به خاک سپاری اموات در قبور، عدم نکاح با مادران و دختران و خواهران، حج، اقرار به تورات و انجیل اشاره دارد که عرب دوران جاهلیت آنها را رعایت می‌کرد؛ ولی مجوس به آن پایبند نبود.^۱ در روایت دیگر نیز حضرت از قول پیامبر صلی الله علیه و آله به بقای سه حکم: ختنه کردن، تزویج و ازدواج از دین حضرت ابراهیم علیه السلام در دوران جاهلیت، اشاره شده است.^۲ اگرچه این دو خبر به دلیل اندک بودن روایات مرتبط، به عنوان گونه‌ای جداگانه مورد توجه قرار نگرفت، اما در بررسی‌های کمی، منفصل از دیگر اقسام شمارش خواهد شد.

اول: نکاح و طلاق

نکاح در دوران جاهلی، انواع مختلفی داشته است. امام صادق علیه السلام تزویج را از جمله احکام دین حضرت ابراهیم علیه السلام دانسته است که اهل جاهلیت آن را تضييع نکردند.^۳ در روایات مرتبط با نکاح در دوران جاهلیت، برخی از آنها معرفی و مورد نهی قرار گرفته‌اند. امام صادق علیه السلام به نقل از حضرت رسول صلی الله علیه و آله، از مورد نهی قرار گرفتن نکاح شغار^۴ در اسلام سخن رانده است.^۵ از جمله دیگر ازدواج‌های نهی شده در روایات معصومین علیهم السلام، نکاح بدل^۶، نکاح الرهط^۷ و ازدواج با همسر پدر^۸ است. با توجه به اخبار موجود در این زمینه، تردیدی

۱. طبرسی، الاحتجاج، ج ۲، ص ۹۱ و ۹۲.

۲. صدوق، علل الشرائع، ج ۲، ص ۴۱۴.

۳. همان.

۴. برای آگاهی از این نوع نکاح، ر.ک: آلوسی، بلوغ الارب، ج ۲، ص ۵؛ ترمذی، الزواج عند العرب فی الجاهلیة والاسلام، ص ۳۲.

۵. کلینی، کافی، ج ۵، ص ۳۶۱؛ کلینی، کافی، ج ۵، ص ۳۶۰؛ قاضی نعمان، دعائم الاسلام، ج ۲، ص ۲۲۳؛ صدوق، من لایحضره الفقیه، ج ۴، ص ۳.

۶. صدوق، معانی الأخبار، ص ۲۷۵. برای آگاهی از این نوع نکاح، ر.ک: آلوسی، بلوغ الارب، ج ۲، ص ۵؛ جواد علی، المفصل فی تاریخ العرب قبل الاسلام، ج ۵، ص ۵۳۷؛ علی هاشمی، المرأة فی الشعر الجاهلی، ص ۱۶۲.

۷. طوسی، الاستبصار، ج ۳، ص ۳۶۸ و ۳۶۹. برای آگاهی از این نوع نکاح، ر.ک: آلوسی، بلوغ الارب، ج ۲، ص ۴.

۸. کلینی، کافی، ج ۶، ص ۴۰۶؛ صدوق، الخصال، ص ۳۱۲ و ۳۱۳.





نیست که عرب جاهلی به گونه‌های مختلفی از ازدواج مبادرت می‌ورزیده است و حتی از نکاح‌های زشت و ننگ‌آور با برخی از خویشان خود نیز ابایی نداشته است. به‌علاوه، زنا و فحشا نیز در آن دوران، امری رایج بوده است. چنانچه در روایتی از رسول اکرم صلی الله علیه و آله به این امر اشاره شده است که اهل جاهلیت، زنا می‌کردند و انساب و نژادشان غیر صحیح [و به‌هم آمیخته] بود.^۱ امام صادق علیه السلام در روایتی اشاره دارد که در جاهلیت، زنانی در مکه وجود داشتند که آشکارا اعلان به آمادگی برای انجام فحشا می‌کردند.^۲ امام کاظم علیه السلام (۱۸۳ق) در روایت دیگر، «ما ظهر منها» در آیه ۳۳ سوره اعراف را زناى معلن و نصب پرچم‌هایی دانسته که در جاهلیت، فواجر برای فواحش نصب می‌کردند.^۳ در روایت دیگر، امام صادق علیه السلام به جزای زن زناکار در جاهلیت اشاره دارد.^۴ مسئله دیگری که در روایات در ارتباط با نکاح زنان در جاهلیت مطرح شده، عده نگه داشتن زنان در آن دوران^۵ یا برخی طلاق‌ها^۶ می‌باشد.

دوم: حج

حج، به شکل امروزی آن و در قالب و مناسک متداول و مرسوم آن، از پیشینه‌ای کهن و طولانی برخوردار است؛ قدمتی که بنا بر روایتی از امام صادق علیه السلام، به سه هزار سال قبل از خلقت آدم علیه السلام می‌رسد.^۷ آن حضرت در پاسخ به سؤال فردی در مورد اعتماد به آیینی از آیین‌های عصر جاهلیت، حج را از جمله شرایع و احکام حضرت ابراهیم علیه السلام دانست که ضایع نشده است.^۸ در روایات، به برخی ویژگی‌های انجام حج در عصر جاهلیت اشاره شده است؛^۹ چنان‌که حضرت

۱. ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، ج ۲، ص ۱۷۶؛ مجلسی، بحار الأنوار، ج ۳۸، ص ۶۲.

۲. اشعری قمی، النوادر، ص ۱۳۴.

۳. کلینی، کافی، ج ۶، ص ۴۰۶.

۴. حرّ عاملی، وسائل الشیعة، ج ۱۸، ص ۳۵۱، به نقل از: المحکم و المتشابه، ص ۸؛ مجلسی، بحار الأنوار، ج ۷۶، ص ۵۹ و ۵۸؛ همان، ج ۹۰، ص ۶؛ شریف رضی، الآیات الناسخة و المنسوخة، ص ۵۲. در مورد جزای زناکار، ر.ک: عیاشی، تفسیر العیاشی، ج ۱، ص ۲۲۷ و ۲۲۸.

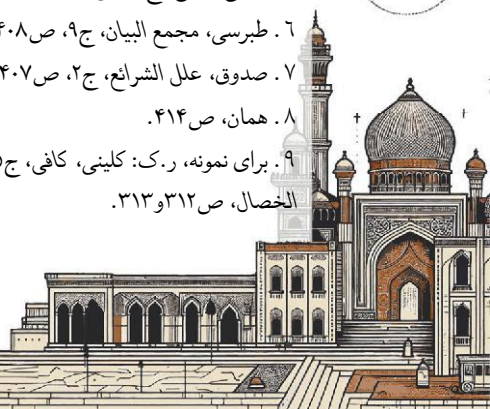
۵. کلینی، کافی، ج ۶، ص ۱۱۷؛ همان، ج ۷، ص ۱۹۲ و ۱۹۳.

۶. طبرسی، مجمع البیان، ج ۹، ص ۴۰۸-۴۱۰؛ کلینی، کافی، ج ۶، ص ۱۵۲ و ۱۵۳.

۷. صدوق، علل الشرائع، ج ۲، ص ۴۰۷.

۸. همان، ص ۴۱۴.

۹. برای نمونه، ر.ک: کلینی، کافی، ج ۵، ص ۱۴۲؛ همان، ج ۷، ص ۴۵۰؛ صدوق، علل الشرائع، ج ۲، ص ۴۴۴؛ صدوق، الخصال، ص ۳۱۲ و ۳۱۳.





علی علیه‌السلام در بیانی، به طواف کعبه توسط عرب به صورت عریان اشاره نموده^۱ و یا بنا بر فرمایش امام صادق علیه‌السلام، قریش برای طواف خانه خدا، تعداد خاصی در نظر نداشت و عبدالمطلب طواف را، هفت شوط قرار داد.^۲ و یا از ویژگی‌هایی همچون عدم وقوف در عرفات توسط اهل مکه نهی کرده^۳ و احکام حج را اصلاح و تبیین می‌نمود.^۴ در برخی روایات، معصومین علیهم‌السلام به برخی اماکن حج اشاره دارند؛ برای نمونه، از جابه‌جایی مقام ابراهیم علیه‌السلام در دوران جاهلیت و پس از آن،^۵ یا درباره تاریخ کعبه و حجرالأسود در دوران جاهلیت، سخن به میان آورده‌اند.^۶

سوم: ارث

مطابق نقل منابع متعدد، از جمله احکام جاهلیت این بود که فقط مردان ارث می‌بردند و نه زنان؛^۷ مطلبی که در خطبه‌ای از حضرت زهرا علیها‌السلام (۱۱ق) نیز مورد توجه قرار گرفته است.^۸ در روایاتی دیگر نیز به چگونگی قواعد ارث در عصر جاهلی اشاره شده است؛ برای نمونه، امام باقر علیه‌السلام در توضیح آیه ۱۹ سوره مبارکه نساء، آن را مربوط به مردی دانسته که زنش را که دیگر به وی نیازی نداشت، حبس می‌کرد تا بمیرد و از وی ارث ببرد و خداوند متعال از چنین کاری نهی نمود.^۹ در بیانی دیگر، حضرت این آیه را ناظر به عمل دوران جاهلیت دانست؛ به این صورت که با فوت مرد، زنش به ارث ولی متوفی درمی‌آمد و وی نیز اگر تمایل داشت، آن زن را به همان مهریه اولیه، به تزویج خود درمی‌آورد و چیزی به وی نمی‌داد و اگر می‌خواست، آن زن را به تزویج مرد دیگری درآورده و مهریه آن زن را می‌گرفت.^{۱۰}

۱. ابن طاووس، اقبال الأعمال، ج ۲، ص ۴۱.

۲. صدوق، الخصال، ص ۳۱۲ و ۳۱۳.

۳. صدوق، علل الشرائع، ج ۱، ص ۱۹۰؛ قاضی نعمان، دعائم الاسلام، ج ۱، ص ۳۲۰؛ عیاشی، تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۹۷؛ بخاری، صحیح بخاری، ج ۲، ص ۶۰۱، ح ۱۵۸۷.

۴. صدوق، علل الشرائع، ج ۲، ص ۴۱۴.

۵. کلینی، کافی، ج ۴، ص ۲۲۳؛ صدوق، علل الشرائع، ج ۲، ص ۴۲۳.

۶. کلینی، کافی، ج ۴، ص ۲۱۷؛ همان، ج ۷، ص ۴۵۰؛ صدوق، علل الشرائع، ج ۲، ص ۴۲۷ و ۴۲۸.

۷. کلینی، کافی، ج ۷، ص ۷۵.

۸. قاضی نعمان، شرح الأخبار، ج ۳، ص ۳۶؛ طبرسی، الاحتجاج، ج ۱، ص ۱۳۸؛ اربلی، کشف الغمّة، ج ۱، ص ۴۸۰.

۹. طوسی، التبیان فی تفسیر القرآن، ج ۳، ص ۱۴۹.

۱۰. همان، ص ۱۴۸-۱۵۰. همچنین برای آگاهی از مضمون این روایت با کمی تفاوت، ر.ک: طبرسی، مجمع البیان، ج ۳، ص ۴۶.





چهارم: معامله ربوی

در دوران جاهلیت، معاملات و خرید و فروش، به صورت‌های مختلف صورت می‌گرفت که در بعضی روایات، به برخی از این نوع معاملات اشاره شده و مورد نهی قرار گرفته است.^۱ بنا بر روایتی، رسول اکرم صلی الله علیه و آله هر ربا و نزول قرضی را که در جاهلیت بوده و در ذمه قرض داران مانده، ملغا دانسته است.^۲

پنجم: دیه

در روایاتی، به برخی احکام دیه در عصر جاهلیت که پس از ورود اسلام تثبیت گردید، اشاره شده است؛ برای مثال، در روایتی آمده است که دیه در جاهلیت، صد شتر بود که رسول خدا صلی الله علیه و آله آن را تثبیت کرد.^۳ در روایتی دیگر، از امام صادق علیه السلام نقل شده است که یکی از سنت‌هایی که عبدالمطلب در دوران جاهلیت گذاشت و در اسلام نیز اجرا شد، قرار دادن صد شتر در قتل (به‌عنوان دیه) بود.^۴

ششم: حلف

پیمان و حلف در دوران جاهلیت، از اهمیت فراوانی برخوردار بود و این پیمان‌ها برای دفاع از مصالح عامه یا خاصه ضرورت پیدا می‌کرد؛ برای نمونه، احلاف و سوگندهایی مانند: اکثر پیمان‌ها و سوگندهای قریش با قبایل دیگر، برای اهداف جنگی و یا اهداف اقتصادی و یا برای تثبیت نظم و برقراری قوانین، گرفتن حقوق مردم، دفع ظلم و یاری مظلوم بسته می‌شد.^۵ اعراب جاهلی به چیزی به اندازه وفا ارزش نمی‌دادند. بنابراین، اگر کسی وعده‌ای می‌داد، خود و قبیله‌اش به آنچه وی وعده داده بود، وفا می‌کردند. از این رو، اگر قسمی می‌خوردند، به‌واسطه جنگ یا هر اتفاق دیگر، آن را نمی‌شکستند.^۶ روایات متعددی به چگونگی حلف در جاهلیت و حکم آن در اسلام اشاره دارند. این روایات پس از آنکه حلف



۱. برای آگاهی در این باره، ر.ک: قاضی نعمان، دعائم الاسلام، ج ۲، ص ۲۱؛ صدوق، معانی الأخبار، ص ۲۷۸.

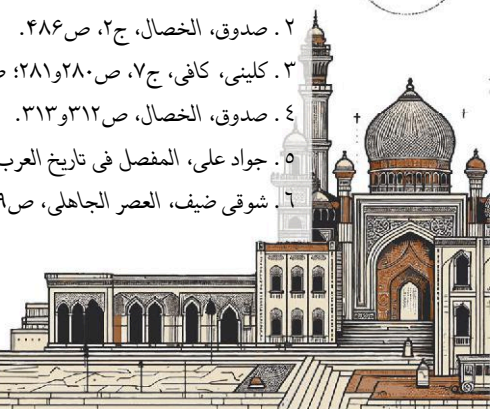
۲. صدوق، الخصال، ج ۲، ص ۴۸۶.

۳. کلینی، کافی، ج ۷، ص ۲۸۰ و ۲۸۱؛ صدوق، من لایحضره الفقیه، ج ۴، ص ۱۰۷.

۴. صدوق، الخصال، ص ۳۱۲ و ۳۱۳.

۵. جواد علی، المفصل فی تاریخ العرب قبل الاسلام، ج ۴، ص ۳۸۲.

۶. شوقی ضیف، العصر الجاهلی، ص ۶۹.





به‌غیر از لفظ جلاله «الله» را صحیح ندانسته، عبارت «لاب لشانیک»^۱ را حلف در دوران جاهلیت دانسته و در برخی روایات، حلف این چنینی را از حلف به «الله» کافی ندانسته و چنین حلفی را موجب متروک شدن حلف به «الله» معرفی کرده است.^۲ در روایتی از امام باقر علیه السلام، در صورتی که در چنین حلفی، «الله» اراده شده باشد، آن قسم صحیح دانسته شده است.^۳ در روایتی از حضرت رسول صلی الله علیه و آله نیز به دیدگاه دین اسلام نسبت به حلف‌ها در دوران جاهلیت اشاره گردیده است؛ حضرت می‌فرماید: «هر پیمانی که در زمان جاهلیت بود، اسلام جز بر شدت آن نیفزود و هیچ پیمانی در اسلام نیست (مراد پیمان‌هایی است بر کشتار و غارت که در میان جاهلیت مرسوم بود و اسلام از آن نهی کرد)...»^۴

ج. باورها و آداب و رسوم در عصر جاهلی

دوران جاهلیت به همراه باورها و همچنین آداب و رسوم است که برخی از آنها در روایات متعددی، مورد توجه قرار گرفته است. در گونه قبلی، با عنوان احکام و قوانین در دوران جاهلیت، به مسائلی اشاره شد که برخی‌شان از دین حنیف در دوران جاهلیت باقی مانده و مورد اهتمام مردم قرار داشت و یا بعدها به‌عنوان جزئی از فروع فقهی مسلمانان قرار گرفت. سایر موارد که در بردارنده رسوم و باورهای دوران جاهلیت است، در این قسمت ذکر می‌گردد.

اول: پرستش بت‌ها و قربانی برای آنها

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، یکی از اهداف بعثت را نابود کردن بت‌ها بیان نمود^۵ و امام علی علیه السلام در بیان وضعیت دوران جاهلیت، یکی از ویژگی آن دوران را پرستش بت‌ها برشمرد.^۶ روایات متعددی نیز به قربانی کردن برای بت‌ها در دوران جاهلیت اشاره دارد. از جمله در روایتی از

۱. یعنی فرزند پدرم نیستم؛ اگر چنین باشد.

۲. ر.ک: کلینی، کافی، ج ۷، ص ۴۹۹ و ۴۵۰؛ علی بن جعفر الصادق علیه السلام، مسائل علی بن جعفر، ص ۳۰۶. مورد دیگر در این باره: اشعری قمی، النوادر، ص ۱۷۰ و ۱۷۱؛ طوسی، امالی، ص ۳۵۸.

۳. اشعری قمی، النوادر، ص ۱۷۱ و ۱۷۰.

۴. طوسی، امالی، ص ۲۶۳. برای آگاهی بیشتر در مورد معنای این روایت، ر.ک: مجلسی، بحار الأنوار، ج ۹۳، ص ۸۰.

۵. کلینی، کافی، ج ۶، ص ۳۹۶.

۶. نهج البلاغه، ج ۲، خطبه ۱۹۲، ص ۱۴۱.





حضرت رسول ﷺ نقل شده که ایشان از فرعه و عتیره نهی کرد.^۱ در روایتی، امام صادق علیه السلام از پدران بزرگوارشان و ایشان از حضرت رسول ﷺ نیز نقل کرده‌اند که عبدالمطلب از آنچه برای بت‌ها قربانی می‌شد، نمی‌خورد.^۲ این روایت نیز دلالت بر وجود سنت قربانی برای بت‌ها در دوران جاهلیت دارد.^۳

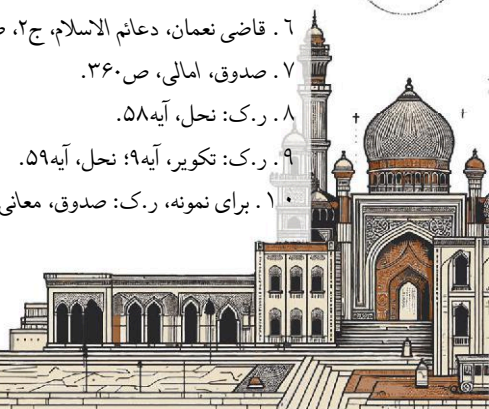
دوم: باور مندی به اجرام آسمانی

ستارگان، در دوران جاهلیت دارای جایگاه قابل توجهی بودند. حضرت رسول ﷺ طلب باران از ستارگان را از ویژگی‌های عصر جاهلی دانسته است.^۴ همین امر، در روایتی از امام باقر علیه السلام نیز بیان شده است.^۵ همچنین، عده‌ای در پاسخ به سؤال رسول اکرم صلی الله علیه و آله در مورد باورشان در جاهلیت هنگام دیدن شهاب سنگ گفتند: «فرد عظیمی مرده و فرد عظیمی متولد شده است.»^۶ شایان ذکر است که در روایتی از امام صادق علیه السلام، به قول یکی از ستاره‌شناسان عصر جاهلی اشاره شده که معتقد بود اگر ستارگان سقوط کنند، همه چیز هلاک می‌شود و اگر برخی سقوط کنند، رخداد تازه‌ای در کار است.^۷

سوم: باور غلط درباره دختران

آنچه از قرآن کریم استفاده می‌شود، آن است که بسیاری از مردم عصر جاهلیت علاقه‌ای به فرزند دختر نداشتند.^۸ کشتن نوزاد دختر که ریشه در باورهای غلط مردم آن دوره درباره دختران داشت، توسط برخی افراد انجام می‌گرفت و این موضوع، در قرآن کریم مورد اشاره است^۹ و بارها در روایات، نهی و مذمت شده است.^{۱۰} در روایتی از امام صادق علیه السلام آمده است

۱. صدوق، کمال‌الدین و تمام النعمة، ص ۲۴۵ و ۲۴۶؛ صدوق، معانی الأخبار، ج ۱، ص ۹۲. «لا فرعة ولا عتیره»؛ یعنی نه قربانی اولین کره ناقه برای بتان جایز است، نه قربانی بره در ماه رجب برای بت‌ها. ر.ک: ابن‌ابی‌شبیبه، المصنف، ج ۵، ص ۵۳۸؛ ابن‌سلام، غریب‌الحديث، ص ۱۹۴ و ۱۹۵.
۲. صدوق، الخصال، ص ۳۱۲ و ۳۱۳.
۳. برای مشاهده اخبار دیگر در این باره، ر.ک: کلینی، کافی، ج ۵، ص ۱۲۲ و ۱۲۳.
۴. قاضی نعمان، دعائم الاسلام، ج ۱، ص ۲۲۶.
۵. صدوق، معانی الأخبار، ص ۳۲۶.
۶. قاضی نعمان، دعائم الاسلام، ج ۲، ص ۱۴۲ و ۱۴۳.
۷. صدوق، امالی، ص ۳۶۰.
۸. ر.ک: نحل، آیه ۵۸.
۹. ر.ک: تکویر، آیه ۹؛ نحل، آیه ۵۹.
۱۰. برای نمونه، ر.ک: صدوق، معانی الأخبار، ص ۳۲۶.





که مردی خدمت رسول اکرم صلی الله علیه و آله رسید و از انداختن دخترش پس از بالغ شدن در چاه خبر داد و از کفاره آن از حضرت پرسید. رسول اکرم صلی الله علیه و آله وی را به احسان و نیکی به مادرش، و سپس به دلیل فوت وی، به خاله‌اش سفارش نمود. امام صادق علیه السلام در ادامه در پاسخ به سؤال راوی در مورد زمان وقوع این ماجرا، آن را در دوران جاهلیت دانست که عادتشان بر این بود که دختران را از ترس اسیر شدن و به دنیا آوردن فرزند در قبیله دیگر، می‌کشتند.^۱ بنا بر گزارش دیگر، مردی در جاهلیت دخترش را کشته و در صحرائی رها کرده بود و زمانی که اسلام آورد، از این کارش پشیمان گشت و به محضر حضرت رسول صلی الله علیه و آله آمد و ماجرا را برای حضرت بازگو کرد.^۲ حضرت امیر علیه السلام نیز در تشریح اوضاع دوران جاهلیت و پیش از بعثت، به زنده‌به‌گور کردن دختران اشاره دارد.^۳

چهارم: آداب ماه‌های حرام

ماه‌های سال در دوران جاهلیت نیز ۱۲ ماه و براساس گردش ماه بود و عرب جاهلی برای ماه‌های حرام، حرمت قائل شده و از جنگ و خونریزی در این ماه‌ها خودداری می‌کرد. در دو روایتی که از امام رضا علیه السلام (۲۰۳ق) نقل شده است، حضرت به حرام بودن جنگ و ظلم در ماه محرم در دوران جاهلیت و عدم رعایت حرمت ماه توسط این امت و شکسته شدن حرمت فرزندان رسول خدا صلی الله علیه و آله و به شهادت رساندن آنها و به اسارت بردن فرزندان و بانوان آنان در این ماه اشاره می‌نماید.^۴ در روایتی دیگر از رسول خدا صلی الله علیه و آله نیز در ابتدا از فضیلت و عظمت ماه رجب خبر داده شده و سپس، به بزرگ دانستن و تعظیم این ماه در دوران جاهلیت اشاره دارد.^۵

پنجم: رسوم هنگام تولد و وفات

بنا بر روایتی، عاصم به امام صادق علیه السلام عرض می‌کند که مرسوم است سر کودک را به خون عقیقه آغشته می‌کنند. حضرت این کار را شرک و از اعمال دوران جاهلیت دانست که در

۱. کلینی، کافی، ج ۲، ص ۱۶۲ و ۱۶۳.

۲. قطب‌الدین راوندی، الخرائج والجرائح، ج ۲، ص ۹۴۹ و ۹۵۰.

۳. نهج البلاغه، ج ۲، خطبه ۱۹۲، ص ۱۴۲.

۴. صدوق، امالی، ص ۱۹۰ و ۱۹۲.

۵. همان، ص ۶۲۷.





اسلام نهی شده است.^۱ در روایت دیگر، امام رضا علیه السلام (۲۰۳ق) با اشاره به تولد حسنین علیهما السلام از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل کرده که: «شستن با خون، از رسوم اهل جاهلیت است.»^۲

حضرت رسول صلی الله علیه و آله در دو روایتی که از ایشان نقل شده، نوحه‌گری برای متوفا را از اعمال دوران جاهلیت دانسته است.^۳ همچنین، در روایتی از امام صادق علیه السلام، خوردن نزد اهل مصیبت، از اعمال اهل جاهلیت و فرستادن غذا برای آنها، از سنن اسلامی شمرده شده است.^۴

ششم: رسوم مرتبط با خوراک و پوشاک

امام صادق علیه السلام در تفسیر آیه «ما جعل الله من بحیره ولا سائبة ولا وصیلة ولا حام»^۵ فرمود: «مردم جاهلیت به ماده شتری که دوقلو می‌زایید، می‌گفتند: به هم پیوسته (بالغ شده) و کشتن و خوردنش را حلال نمی‌دانستند و چون ده بار می‌زایید، آن را «سائبه» می‌دانستند و سواری و باربری و خوردن گوشت و شیر آن را بر خود حلال نمی‌پنداشتند و «حام» شتر نری بود که بر ماده می‌جهید که آن را هم حلال نمی‌دانستند. خداوند این آیه را نازل نمود که او هیچ‌کدام از اینها را حرام نساخته است.»^۶ در روایت دیگری از امام صادق علیه السلام، حضرت از نهی رسول اکرم صلی الله علیه و آله از نوشیدن هر مایع مست‌کننده و استفاده از ظروف تهیه این ماده خبر داد و پس از توضیح در مورد ظروف، نقیر را چوبی دانست که در زمان جاهلیت آن را سوراخ می‌کردند و توی آن را خالی می‌نمودند تا در آن نیبذ تهیه کنند.^۷ ویژگی دیگر اهل جاهلیت که در روایتی از امام صادق علیه السلام اشاره شده، در مورد نوع لباس پوشیدن آنهاست که روی پیراهن خود، لنگی می‌پنجیدند. حضرت از این‌گونه لباس پوشیدن در نماز، نهی نموده و آن را از عادت دوران جاهلیت برشمرد.^۸

۱. کلینی، کافی، ج ۶، ص ۳۳.

۲. صدوق، عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۶۳.

۳. قاضی نعمان، دعائم الاسلام، ج ۱، ص ۲۲۶؛ صدوق، من لایحضره الفقیه، ج ۴، ص ۳۷۶.

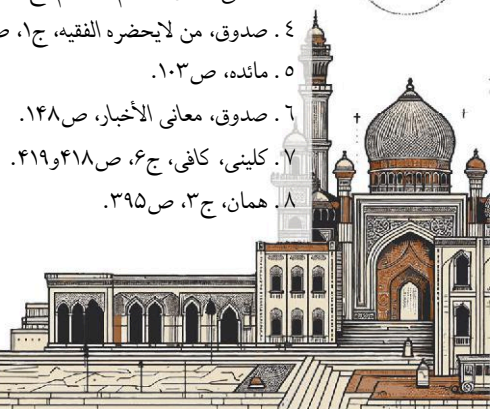
۴. صدوق، من لایحضره الفقیه، ج ۱، ص ۱۸۲.

۵. مائده، ص ۱۰۳.

۶. صدوق، معانی الأخبار، ص ۱۴۸.

۷. کلینی، کافی، ج ۶، ص ۴۱۸ و ۴۱۹.

۸. همان، ج ۳، ص ۳۹۵.





هفتم: برخی آداب و رسوم دیگر

برخی دیگر از روایاتی که به بعضی آداب و رسوم عصر جاهلیت اشاره داشتند، از تعداد کمتری برخوردارند که در این قسمت، مورد اشاره قرار می‌گیرند. بنا بر روایتی حضرت رسول صلی الله علیه و آله، به توضیح در مورد میسر و انصاب و ازلام که در آیه ۹۰ سوره مبارکه مائده آمده، پرداخته شده است. میسر را هر چیزی که با آن قمار شود و ازلام را تیرهایی دانستند که با آن استقسام می‌کردند.^۱ در روایتی از امام صادق علیه السلام، به فرمایش رسول اکرم صلی الله علیه و آله اشاره شده است که امور جاهلیت و بت‌ها و ازلامش را برخواهم چید.^۲

از دیگر آداب برخی افراد در جاهلیت، مسواک زدن بود که حضرت رسول صلی الله علیه و آله در این باره از قبيله ازد، یاد نمود.^۳ دیگر ویژگی اهل جاهلیت، بنا بر فرموده حضرت امیر علیه السلام آن بود که اگر فردی با سنگ یا چوب دستی، به زنی حمله می‌کرد، او و فرزندان او مورد سرزنش قرار می‌گرفتند.^۴

د. اطلاق عنوان «جاهلیت» بر گروهی از مردم جامعه

چهارمین دسته اخباری که در آنها از اصطلاح جاهلیت استفاده شده؛ اما به گونه‌ای است که از نظر شکلی و محتوایی، متفاوت با دسته‌های دیگر است. در دیگرگونه‌ها حضرات معصومین علیهم السلام به طرح ویژگی‌های جامعه و زندگی عصر جاهلیت یا مقایسه معیارهای اسلامی و جاهلی اشاره داشتند؛ اما در این گونه، مفهوم جاهلیت را در صورت داشتن شرایطی، بر گروهی از مردم زمانه خویش اطلاق نموده‌اند. در ادامه، به اخبار موجود در این زمینه پراخته می‌شود.

اول: درباره ولایت و محبت اهل بیت علیهم السلام

در روایات متعدد، مردمی که ولایت ائمه معصومین علیهم السلام را قبول نکنند، به افراد دوران جاهلیت تشبیه شده‌اند. در روایتی از امام باقر علیه السلام، طواف مردمی که ولایت ایشان را قبول ندارند، به طواف دوران جاهلیت تشبیه شده است.^۵ همچنین در روایتی از رسول اکرم صلی الله علیه و آله، مرگ فردی که به امامت امامی از فرزندان او اعتقاد نداشته باشد و یا بنا بر روایتی به امام زمانش جاهل

۱. همان، ج ۵، ص ۱۲۲ و ۱۲۳.

۲. صدوق، امالی، ص ۵۰۲.

۳. همو، علل الشرائع، ص ۲۷۱.

۴. نهج البلاغه، ج ۳، نامه ۱۴، ص ۱۵.

۵. کلینی، کافی، ج ۱، ص ۳۹۲؛ همان، ج ۸، ص ۲۸۸ و ۲۸۹. بنا بر روایت دیگری، امام باقر علیه السلام مردم را در مکه دید که چه می‌کنند. سپس، فرمود: کارهایی است مانند کارهای جاهلیت. همانا به خدا سوگند که چنین دستور ندارند. آنچه دستور دارند، این است که حج خود را انجام دهند و به نذر خود وفا کنند و نزد ما آیند و ولایت خود را به ما خبر دهند و نصرت خویش را بر ما عرضه کنند. (ر.ک: همان، ج ۱، ص ۳۹۲)



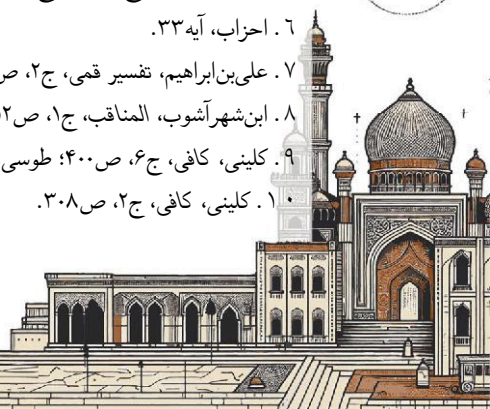


باشد، مرگ جاهلی دانسته شده است.^۱ در روایت دیگر از رسول اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، اشاره شده که هرکس با بغض علی عَلِيٌّ از دنیا برود، به مرگ جاهلی مرده است^۲ و یا در بیانی از امام علی عَلِيٌّ و به نقل از امام صادق عَلِيٌّ، اشاره شده است فردی که در رکاب کسی که حکم خدا را باور نکرده و دستور خداوند را در مورد غنایم اجرا نمی‌کند، به جنگ رود و کشته شود، دشمن را در حبس حقوق ما و ریختن خون‌های ما یاری کرده و به مرگ جاهلی از دنیا رفته است.^۳ ولایت در نزد حضرات معصومین عَلِيٌّ، از چنان اهمیتی برخوردار است که بنا بر روایتی از امام باقر عَلِيٌّ، مردم پس از رحلت حضرت رسول صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ به دوران جاهلیت بازگشتند و حتی انصار در حمایت و بیعت با سعد بن عباد، رجزهای دوران جاهلیت را سر می‌دادند.^۴ امام صادق عَلِيٌّ نیز در روایت دیگری می‌فرماید: «مردم بعد از پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، اهل جاهلیت بودند؛ مگر افرادی از اهل بیت که خداوند آنها را حفظ کرده و مصون داشت.»^۵ شاید به همین جهت است که امام صادق عَلِيٌّ در تفسیر آیه «ولا تبرجن تبرج الجاهلیة الأولى»،^۶ از بودن «جاهلیت اخری» خبر دادند.^۷

دوم: درباره دیگر موضوعات

گذشته از روایات متعدد درباره موضوع ولایت و امامت ائمه عَلِيٌّ، برخی کارها به مرگ جاهلی تعبیر شده است؛ برای نمونه، در روایتی از حضرت رسول صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، فردی که بدون وصیت بمیرد، به مرگ جاهلی مرده است^۸ و یا به روایت دیگری از امام صادق عَلِيٌّ، فرد شراب‌خوار که قبل گذشت چهل روز بمیرد، به مرگ جاهلی مرده است.^۹ بنا بر نقلی دیگر از حضرت، کسی که در قلبش خردلی از عصبیت باشد، در قیامت با اعراب جاهلی مبعوث می‌شود.^{۱۰}

۱. در منابع متعددی، به مضمون این خبر اشاره شده است. ر.ک: برقی، المحاسن، ج ۱، ص ۱۵۴؛ کلینی، کافی، ج ۱، ص ۳۷۶؛ نعمانی، الغیبه، ج ۱، ص ۱۲۹؛ صدوق، عیون اخبار الرضا عَلِيٌّ، ج ۲، ص ۶۳؛ صدوق، امالی، ص ۱۸۵؛ مفید، الاختصاص، ج ۱، ص ۲۶۸؛ ابن شهر آشوب، مناقب، ج ۱، ص ۲۵۲؛ ابن طاووس، اقبال الأعمال، ج ۱، ص ۴۶۰؛ اربلی، کشف الغمّة، ج ۲، ص ۵۲۸.
۲. ابن شاذان، الفضائل، ج ۱، ص ۱۳۹.
۳. صدوق، الخصال، ج ۲، ص ۶۱۰.
۴. کلینی، کافی، ج ۸، ص ۲۹۶.
۵. قاضی نعمان، شرح الأخبار، ج ۳، ص ۴۸۷.
۶. احزاب، آیه ۳۳.
۷. علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، ج ۲، ص ۱۹۳.
۸. ابن شهر آشوب، مناقب، ج ۱، ص ۲۵۲.
۹. کلینی، کافی، ج ۶، ص ۴۰۰؛ طوسی، تهذیب الأحکام، ج ۹، ص ۱۰۶.
۱۰. کلینی، کافی، ج ۲، ص ۳۰۸.





۲. بررسی کمی گونه‌های شناسایی شده در منابع

شمارش هریک از گونه‌های خبری در بیان معصومین علیهم‌السلام و در منابع شیعی، آماری را از هرگونه و زیرمجموعه آن به دست می‌دهد که در جدول زیر قابل مشاهده است.

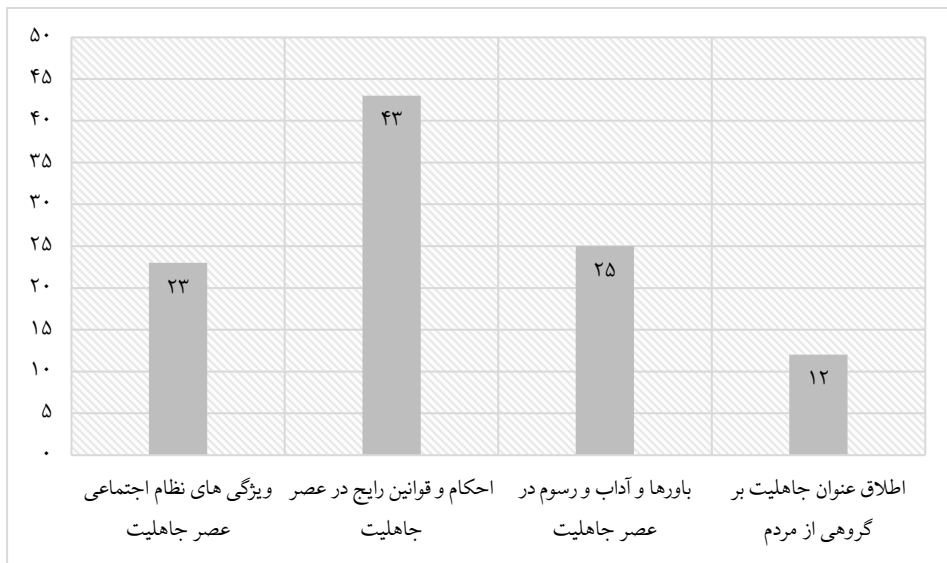
گونه‌های اصلی	زیرگونه‌ها	پیغمبر اکرم (ص)	امام علی (ع)	حضرت زهرا (س)	امام سجاد (ع)	امام باقر (ع)	امام صادق (ع)	امام کاظم (ع)	امام رضا (ع)	جمع
ویژگی‌های	عصبیت	۳	۳	*	۱	*	۱	*	*	۸
	تفاخر	۲	۲	*	*	۵	*	*	*	۹
	حسد و کینه‌ورزی	۲	۲	*	*	*	*	*	*	۹
برجسته‌نظام	تفرقه و پراکندگی مردم	*	۱	*	*	*	*	*	*	۱
	ناگامی از حقایق هستی	*	۲	*	*	*	*	*	*	۲
عصر جاهلیت	قطع رابطه با غارتگری	*	۱	*	*	*	*	*	*	۱
	نکاح و حلاق	۳	۲	*	*	۲	۸	۲	*	۱۷
احکام	حج	*	۲	*	*	۱	۱۰	*	*	۱۳
	ارث	*	*	۱	*	۲	*	*	*	۳
و قوانین	معامله ربوی	۱	*	*	*	*	*	*	*	۱
	دیه	۱	*	*	*	۱	*	*	*	۲
جاهلیت	حلف	۱	*	*	*	۱	۳	۱	*	۵
	احکام باقی‌مانده از دین حیثیت	۲	*	*	*	*	*	*	*	۲
آداب و رسوم	پریشانی‌ها و قربانی برای آن‌ها	۲	۱	*	*	۱	*	*	*	۴
	باورسندی به اجرام آسمانی	۲	۱	*	*	۱	*	*	*	۴
	باور غلط درباره دختران	*	۱	*	*	*	*	*	*	۲
	آداب ماههای حرام	۱	*	*	*	*	*	*	۲	۳
در عصر جاهلی	رسوم هنگام تولد و وفات	۲	*	*	*	۲	*	*	۱	۵
	رسوم مرتبط با خوراک و پوشاک	*	*	*	*	۳	*	*	*	۳
	آداب و رسوم دیگر	۲	۱	*	*	۱	*	*	*	۴
تطبیق عنوان جاهلیت بر برخی مردم جامعه	در مورد ولایت و محبت اهل بیست (ع)	۲	*	*	*	۴	۳	*	*	۹
	در باره دیگر مشرک‌نژادها	۱	*	*	*	*	۲	*	*	۳
جمع		۲۳	۱۸	۱	۱	۱۶	۳۸	۳	۳	۱۰۳

برای فهم بهتر تحلیل‌های ارائه شده در بخش بعد، دو نمودار زیر

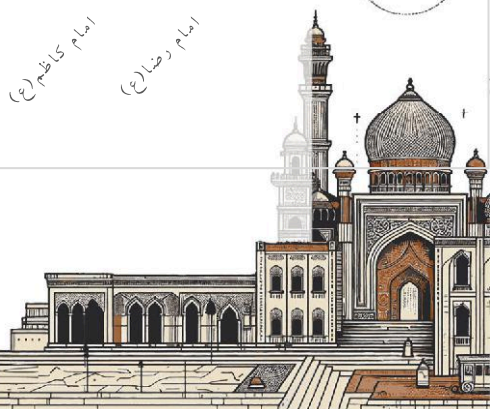
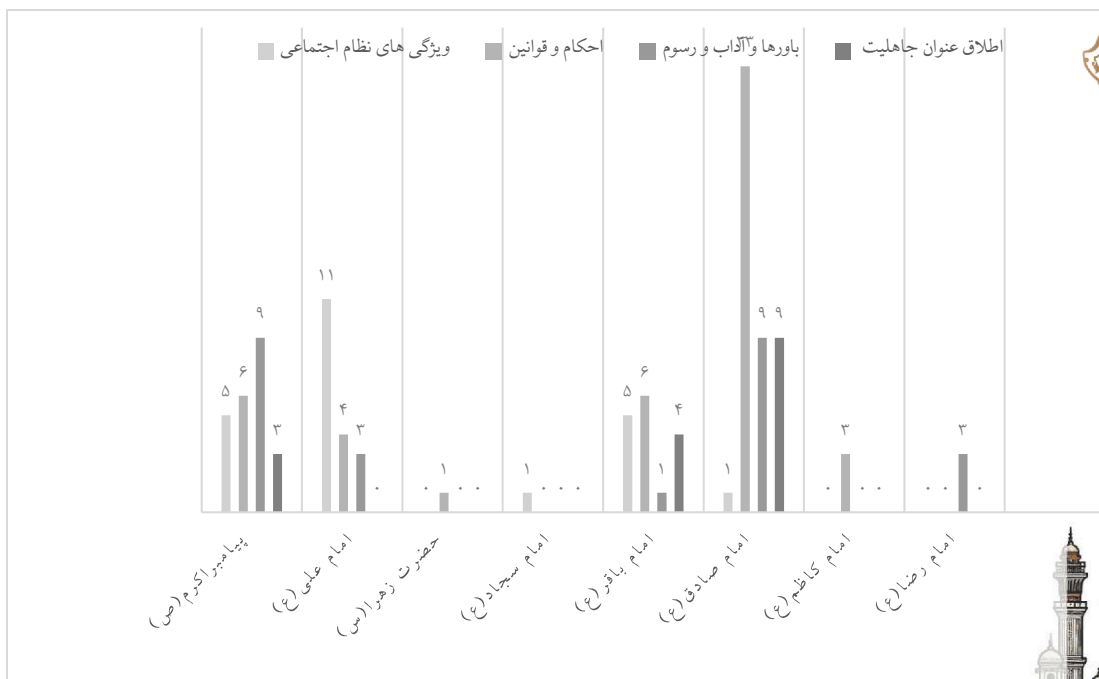
مبتنی بر بررسی‌های کمی و گونه‌شناسانه ارائه می‌شود:



الف. نمودار تعداد کاربرد هر یک از گونه‌های شناسایی شده در بیان معصومین علیهم‌السلام



ب. نمودار تعداد کاربرد اصطلاح جاهلیت در بیان معصومان علیهم‌السلام





۳. تحلیل نتایج بررسی‌های گونه‌شناسانه و بررسی‌های کمی

ملاحظه اطلاعات به‌دست‌آمده از بررسی گونه‌شناسانه شواهد و همچنین بررسی کمی کاربرد اصطلاح جاهلیت در بیان معصومین علیهم السلام، نشان‌دهنده نتایجی است که در ادامه، به برخی از آنها اشاره می‌شود.

الف. نقد و نکوهش جاهلیت؛ رویکرد عمومی معصومین علیهم السلام در کاربردها

علاوه بر آنکه معصومین علیهم السلام از دوران و ساختار جامعه حجاز در پیش از ظهور پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله با عنوان و مفهوم جاهلیت یاد می‌کنند، نگاهی که به رویدادها و ویژگی‌های این عصر دارند، در بسیاری موارد، نگاهی انتقادی است. همان‌طور که در نمودارها قابل مشاهده است، بخش مهم از مواردی که اصطلاح «جاهلیت» در بیان معصومین علیهم السلام به‌کاررفته، مربوط به تلاشی است که ایشان برای نکوهش آداب عصر جاهلی نموده‌اند. از سوی دیگر، این موضوع نشان می‌دهد که با وجود طرح و تبیین سبک زندگی اسلامی توسط پیامبر صلی الله علیه و آله و دیگر ائمه علیهم السلام، تا چه اندازه این رسوم جای پای محکمی در میان مردم دارد و همچنان مورد اقبال برخی از ایشان قرار می‌گیرد. البته در کنار نگاه انتقادی به عصر جاهلیت، شواهد و گزارش‌هایی بر باقی بودن برخی احکام شریعت حضرت ابراهیم علیهم السلام در عصر جاهلی دلالت دارد.

ب. عصبیت و تفاخر، مهم‌ترین ویژگی‌های جامعه عصر جاهلی

در میان ویژگی‌هایی عصر جاهلی، دو گونه «عصبیت» و «تفاخر»، روایات بیشتری را به خود اختصاص داده‌اند و ویژگی دیگر، یعنی حسد و کینه و تفرقه، سپس ناآگاهی و جهل، تعداد کمتری از بیانات معصومین را به خود اختصاص داده‌اند. عصبیت و تفاخر، از نمودهای بارز هویت قبیله‌ای بود که ساختار جامعه عرب بر اساس آن سامان‌یافته و بر خویشاوندی و رابطه خونی مبتنی بود.^۱ مذمت‌های متعدد نسبت به این دو ویژگی را شاید بتوان از آن جهت دانست که عصبیت و تفاخر جاهلی، از عوامل مهم در رویدادهای پس از

۱. برای اطلاع بیشتر در این باره و بیشتر، ر.ک: ابراهیم برزگر، «هویت قبیله‌ای؛ به‌مثابه واقعیت در نهج‌البلاغه»، مجله مطالعات ملی، ش ۴۰، ص ۱۳۳-۱۵۸.





رحلت رسول خدا ﷺ و بر سر کار آمدن افراد و خاندان‌های ناشایست در امر حکومت بوده است.^۱ یکی از نتایج به‌دست‌آمده از بررسی‌های کمی، آن است که امام باقر علیه السلام تنها امام شیعه پس از امام علی علیه السلام است که به ویژگی‌های عصر جاهلی توجهی ویژه داشته و در ۵ مورد، از ویژگی تفاخر سخن به میان آورده است. اینکه آیا این موضوع به دلیل گسترش چنین ویژگی و روحیه‌ای در میان برخی مسلمانان بوده یا به‌عنوان دست‌مایه حکومت اموی برای دستیابی به اهدافش بوده است، مسئله‌ای است که ظرفیت بررسی بیشتر دارد.

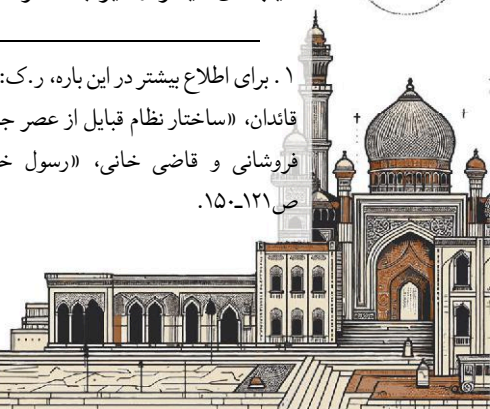
ج. گستره و نقش برخی احکام اجتماعی عصر جاهلی

در میان مواردی که به قواعد عرفی یا احکام اجتماعی عصر جاهلیت در بیان معصومین علیهم السلام پرداخته شده، مشاهده می‌شود که در مورد «نکاح و طلاق» و «حج»، این توجه بیش از دیگر موارد بوده است که این موضوع، خود به‌صورت مستقل می‌تواند از سوی اندیشمندان فلسفه فقه مورد توجه و بررسی قرار گیرد. شمارش اخبار نشان می‌دهد که ۳۰ مورد کاربردهای اصطلاح جاهلیت در بیان معصومین علیهم السلام در بخش احکام، مربوط به این دو است؛ در حالی که کاربرد مجموع اخبار مربوط به: ارث، معامله ربوی، دیه و حلف در بیان معصومین علیهم السلام، تنها در ۱۱ مورد است. باید به این نکته توجه داشت که دو مورد یادشده، از جمله ابوابی است که امام صادق علیه السلام در روایاتی، به باقی ماندن برخی احکام آن از دوران حضرت ابراهیم علیه السلام خبر داده و آنها را مربوط به دین حنیف دانسته است.

د. نقش ولایت و امامت ائمه علیهم السلام در جامعه اسلامی

یکی از گونه‌های به‌دست‌آمده، مربوط به مواردی است که معصومان علیهم السلام مفهوم «جاهلیت» را بر بعضی از مردم جامعه تطبیق نمودند. گذشته از آنکه این اقدام، نشان‌دهنده امکان استفاده از این قالب جهت هدایت و راهبری جامعه است، آمارها در این بخش، نتیجه‌ای دیگر را نیز به همراه دارد و آن اینکه دوسوم از مقایسه و تطبیق‌های صورت‌گرفته،

۱. برای اطلاع بیشتر در این باره، ر.ک: بخشیان، «نقش قوم‌گرایی در انحراف خلافت»، مجله کوثر، ش ۴۳، ص ۱۵-۱۶؛ قاندان، «ساختار نظام قبایل از عصر جاهلی تا رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله»، مجله کیهان فرهنگی، ش ۱۳۲، ص ۵۱-۵۵؛ صفری، فروشانی و قاضی خانی، «رسول خدا صلی الله علیه و آله و مدیریت چالش جانشینی»، مجله مطالعات تاریخ اسلام، ش ۱۹، ص ۱۲۱-۱۵۰.





مربوط به امر ولایت و امامت ائمه علیهم السلام است. این امر، نشان می‌دهد که مردم در یک صورت، به‌طور قطع می‌توانند به جهت ساختار فکری و عملی در زندگی، در زمره اهل جاهلیت و در حکم گمراهان به حساب آیند و آن، زمانی است که به امام به‌حق و رهبری یگانه منصوب از طرف خداوند، پایبندی نداشته باشند.^۱

۵. توجه به شرایط جامعه و نیاز پیروان در به‌کارگیری اصطلاح «جاهلیت»

اگر موارد و مصادیق به‌کارگیری اصطلاح جاهلیت توسط هریک از معصومان علیهم السلام با توجه به بستر و زمانه آنان مشاهده شود، می‌توان نتایج دیگری را نیز به دست آورد؛ برای نمونه، بررسی نمودارها این پرسش را به وجود می‌آورد که چرا امام علی علیه السلام بیشترین بهره را از تعبیر موردنظر در مورد ویژگی‌های برجسته نظام اجتماعی جاهلی برده و یا چرا امام صادق علیه السلام استفاده قابل توجهی از این اصطلاح در بیان و تبیین احکام شرعی داشته است؟ بررسی‌های تاریخی نشان می‌دهد که آمارها در این دو مورد، مؤید این تحلیل است که امام علی علیه السلام در دوره خویش بیش از هر چیز برای حفظ جامعه رسول‌الله صلی الله علیه و آله و سلم تلاش نموده و در تلاش است تا مبدا با رحلت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم جامعه بار دیگر ارزش‌های اخلاقی و معنوی دین اسلام را فراموش کند؛ اما امام صادق علیه السلام در عصر ظهور مذاهب فقهی گوناگون و با توجه به آزادی نسبی فراهم‌آمده، به تبیین احکام شرعی پرداخت که همین امر، عبور از آداب و عرف جاهلی به شمار می‌رود.

نتیجه

بررسی گونه‌شناسانه و کمی مفهوم «جاهلیت»، به‌عنوان یکی از پُرکاربردترین واژه‌های به‌کار گرفته‌شده در روایات معصومین علیهم السلام که ناظر به ویژگی‌های عصر پیش از ظهور اسلام است، نشان می‌دهد مفهوم جاهلیت در گفتار ائمه علیهم السلام، در ۴ محور اساسی به‌کار گرفته شده است که عبارت‌اند از: ۱. ویژگی‌های برجسته نظام اجتماعی در عصر جاهلیت، مانند: عصیت، تفاخر، حسد و کینه‌ورزی، تفرقه و ناآگاهی از حقایق هستی؛ ۲. احکام و قوانین عصر

۱. برای اطلاع بیشتر در این باره، ر.ک: علی ربانی گلپایگانی، «تحلیل و بررسی مرگ جاهلی و معرفت به امام زمان علیه السلام»، مجله انتظار موعود، ش ۳۸، ص ۷-۲۸.

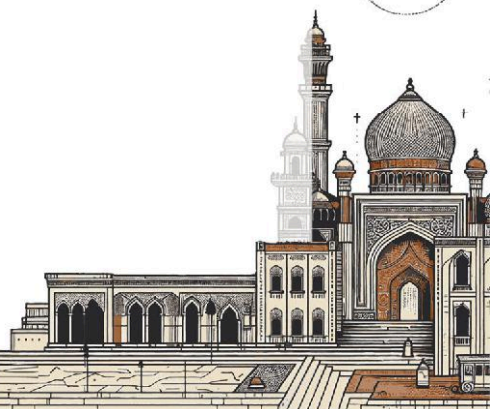




جاهلی، ذیل موضوعاتی چون: نکاح، حج، ارث، دیه و...؛ ۳. آداب و رسوم و باورهای عامیانه، نظیر: رسوم هنگام تولد و وفات یا آداب ماه‌های حرام و یا باور به مایه ننگ بودن فرزند دختر؛ ۴. اطلاق عنوان «جاهلیت» بر گروهی از مردم.

در بخش اول، هدف معصومین علیهم‌السلام خشکاندن این صفات مخرب در ساخت نظام اجتماعی بوده است که بیشترین توجه به آن، در دوران حضرت رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و امام علی علیه‌السلام بوده است. در بخش دوم و سوم، هدف معصومین علیهم‌السلام تبیین یا امضای قوانین اسلامی بوده که با توجه به ظهور مذاهب اسلامی در عهد امامین صادقین علیهم‌السلام، آن دو امام علیهم‌السلام در این دوران بیشتر با رویکرد مباحث فقهی به امر جاهلیت پرداخته‌اند. در بخش چهارم نیز بیشتر روایات، ناظر به نشان دادن مسیر صحیح به جامعه جهت هدایت یافتن و دور ماندن از مؤلفه‌های عصر جاهلی، به وسیله تبیین اهمیت قبول ولایت ائمه اطهار علیهم‌السلام در همه زمان‌ها بوده است.

تحلیل نتایج بررسی‌های کمی نیز نتایجی به دنبال داشت؛ از جمله: ۱. رویکرد عمومی معصومین علیهم‌السلام، در بیشتر موارد نفی و نقد باورها و اعمال مذموم جامعه جاهلی بوده است؛ ۲. ویژگی‌های مربوط به نظام اجتماعی در عصر جاهلیت و همچنان در دوران معصومین علیهم‌السلام، به‌ویژه تا پایان عصر اموی (۱۳۲ق)، نمود بارزتری در میان برخی توده‌های مردم داشته است؛ ۳. همچنین، یکی از مهم‌ترین عواملی که می‌تواند سبب اطلاق مفهوم جاهلیت بر مردم هر زمانه باشد، عدم پذیرش ولایت و امامت امام منصوب از سوی خداوند است.





منابع

قرآن کریم.

نهج البلاغه، تحقیق شیخ محمد عبده، قم، دارالذخائر، ۱۴۱۲.

ابن ابی شیبه، ۱۴۰۹ق، المصنف، تحقیق: سعید اللحام، بیروت، دار الفكر للطباعة والنشر والتوزيع.

ابن سلام، ۱۳۸۴، غریب الحديث، تحقیق: محمد عبدالمعید خان، بیروت، دار الكتاب العربی.

ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴ق، تحف العقول، تصحیح و تعلیق: علی اکبر غفاری، قم، مؤسسة النشر الاسلامی.

ابن شهر آشوب، محمدبن علی، مناقب، تصحیح: هاشم رسولی و محمدحسین آشتیانی، قم، انتشارات علامه.

ابن عدی جرجانی، ۱۴۰۹ق، الكامل، قرائة وتدقیق: یحیی مختار غزازی، بیروت، دار الفكر للطباعة والنشر والتوزيع.

ابن منظور، محمدبن مكرم، ۱۴۲۶ق، لسان العرب، به كوشش: یوسف البقاعی، ابراهیم شمس الدین و نضال علی، بیروت، الأعلمی.

ابوالقاسم بخشیان، مهر ۱۳۷۹، «نقش قوم‌گرایی در انحراف خلافت»، مجله كوثر، شماره ۴۳.

اربلی، علی بن ابی‌الفتح، ۱۴۰۵ق، كشف الغمة فی معرفة الائمة عليهم السلام، بیروت، دار الاضواء.

اشعری قمی، احمدبن محمد، ۱۴۰۸ق، النوادر، تحقیق: مدرسة الامام المهدي عليه السلام، قم، مدرسة الامام المهدي عليه السلام.

امانی، محمدعلی، ۱۳۹۲، سنن جاهلی عرب و روش برخورد قرآن کریم، تهران، انتشارات دانشگاه امام صادق عليه السلام.

ایزوتسو، توشیهیکو، ۱۳۷۸، مفاهیم اخلاقی-دینی در قرآن، ترجمه: فریدون بدره‌ای، تهران، نشر و پژوهش فرزانه.

برقی، احمدبن محمد، ۱۳۳۰ش، المحاسن، تهران، دار الكتب الاسلامية.

برزگر، ابراهیم، زمستان ۱۳۸۸، «هویت قبیله‌ای به مثابه واقعیت در نهج البلاغه»، مجله مطالعات ملی، شماره ۴۰.

جواد علی، ۱۹۷۶م، المفصل فی تاریخ العرب قبل الاسلام، بیروت، دار العلم المالین، بغداد، مكتبة النهضة.

حرّ عاملی، محمدبن حسن، ۱۴۱۴ق، وسائل الشیعة، قم، مؤسسة آل البيت عليهم السلام لإحياء التراث.

راوندی، قطب‌الدین، ۱۴۰۹ق، الخرائج والجرائح، تحقیق: مؤسسة الامام المهدي عليه السلام، باشراف: سید محمدباقر

موحد ابطحی، قم، مؤسسة الامام المهدي عليه السلام.

ربانی گلپایگانی، علی، پاییز ۱۳۹۱، «تحلیل و بررسی مرگ جاهلی و معرفت به امام زمان عليه السلام»، فصلنامه انتظار

موعود، سال دوازدهم، شماره ۳۸.

ریترز، جورج، ۱۳۷۴، نظریه جامعه‌شناسی در دوران معاصر، ترجمه: محسن ثلاثی، تهران، انتشارات علمی.

سلیمانی، جواد، زمستان ۱۳۸۷، «چگونگی و چرایی بازگشت به جاهلیت در جامعه پس از پیامبر ص»، فصلنامه

حکومت اسلامی، شماره ۵۰.

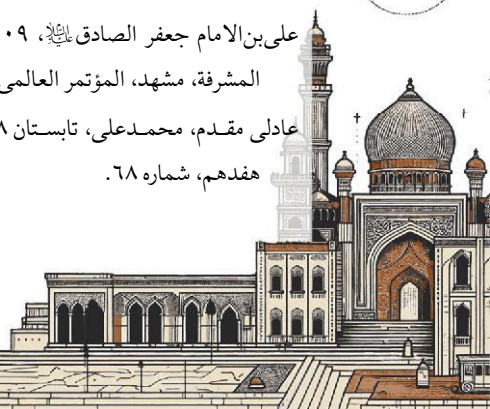
سید رضی، مجازات النبویة، تحقیق و شرح: طه محمد الزیتی، قم، منشورات مكتبة بصیرتی.

سیدبن طاووس، ۱۴۱۵ق، إقبال الأعمال، تحقیق: جواد قیومی اصفهانی، مكتب الاعلام الاسلامی.





- شاذان قمی، ۱۳۶۳، الفضائل، قم، منشورات الشریف الرضی.
- شوقی ضیف، العصر الجاهلی، قاهره، دار المعارف.
- صدوق، ۱۴۰۳ق، الخصال، تصحیح و تعلیق: علی اکبر غفاری، قم، مؤسسة النشر الاسلامی.
- صدوق، ۱۴۱۷، امالی، تحقیق: قسم الدراسات الاسلامیة فی مؤسسة البعثة، قم، مرکز الطباعة والنشر فی مؤسسة البعثة.
- صدوق، ۱۳۶۸، ثواب الأعمال، قم، منشورات الشریف الرضی.
- صدوق، ۱۳۸۵، علل الشرائع، نجف، منشورات المكتبة الحیدریة ومطبعتها.
- صدوق، ۱۴۰۴ق، عیون اخبار الرضا علیه السلام، تصحیح و تعلیق و تقدیم: شیخ حسین اعلمی، بیروت، مؤسسة الأعلمی للمطبوعات.
- صدوق، ۱۴۰۵ق، کمال الدین و تمام النعمة، تصحیح و تعلیق: علی اکبر غفاری، قم، مؤسسة النشر الاسلامی.
- صدوق، ۱۳۷۹، معانی الأخبار، تصحیح و تعلیق: علی اکبر غفاری، قم، مؤسسة النشر الاسلامی.
- صدوق، من لایحضره الفقیه، تصحیح و تعلیق: علی اکبر غفاری، قم، مؤسسة النشر الاسلامی.
- صادقی، رقیه، بهار ۱۳۸۲، «اسرار و معارف حج: حج جاهلی - حج محمدی صلی الله علیه و آله»، میقات حج، شماره ۴۳.
- صفری فروشانی، نعمت الله و قاضی خانی، حسین، زمستان ۱۳۹۲، «رسول خدا صلی الله علیه و آله و مدیریت جانشینی»، مجله مطالعات تاریخ اسلام، سال پنجم، شماره ۱۹.
- طبرسی، فضل بن حسن، ۱۳۷۷، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران، دار المعرفة.
- طبرسی، احمد بن علی، ۱۳۸۶، الاحتجاج، تعلیق و ملاحظات: سید محمدباقر خراسان، نجف، دار النعمان للطباعة والنشر.
- طوسی، ۱۳۶۳ش، الإستبصار، تحقیق و تعلیق: سید حسن الموسوی الخراسان، بعناية تامة: شیخ محمد الآخوندی فی التصحیح، تهران، دار الکتب الاسلامیة.
- طوسی ۱۴۱۴ق، الأمالی، تحقیق: مؤسسة الدراسات الاسلامیة فی مؤسسة البعثة، قم، دار الثقافة للطباعة والنشر والتوزیع.
- طوسی، ۱۴۰۹ق، التبیان فی تفسیر القرآن، تحقیق و تصحیح: احمد حبیب قصیر العاملی، مکتب الاعلام الاسلامی.
- طوسی، ۱۳۶۵، تهذیب الأحکام، تحقیق و تعلیق: سید حسن الموسوی الخراسان، تهران، دار الکتب الاسلامیة.
- عیاشی، محمد بن مسعود، تفسیر العیاشی، تحقیق: سید هاشم رسولی محلاتی، تهران، مکتبة العلمیة الاسلامیة.
- علی بن الامام جعفر الصادق علیه السلام، ۱۴۰۹ق، مسائل علی بن جعفر، تحقیق: مؤسسة آل البيت علیهم السلام لإحياء التراث بقم المشرفة، مشهد، المؤتمر العالمی للامام الرضا علیه السلام.
- عادلی مقدم، محمد علی، تابستان ۱۳۸۸، «انحرافات مناسک حج در عصر جاهلیت»، میقات حج، سال هفدهم، شماره ۶۸.





فانز، قاسم، ۱۳۹۰، سیمای عرب جاهلی از زبان قرآن و روایات، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.

فیلیپ حتی، ۱۳۶۶، تاریخ عرب، ترجمه: ابوالقاسم پاینده، انتشارات آگاه.

قاضی نعمان مغربی، ۱۳۸۳، دعائم الاسلام، تحقیق: آصف بن علی اصغر فیضی، قاهره، دار المعارف.

قاضی نعمان مغربی، شرح الأخبار، تحقیق: سید محمد حسینی جلالی، قم، مؤسسه النشر الاسلامی.

قایدان، اصغر، فروردین و اردیبهشت ۱۳۷۶، «ساختار نظام قبایل از عصر جاهلی تا رحلت پیامبر ﷺ»، مجله کیهان فرهنگی، شماره ۱۳۲.

قاسم‌پور، محسن و شناسوند، پروین، «روش‌شناسی مواجهه امام علی علیه السلام با فرهنگ اخلاقی جاهلیت در نهج البلاغه»، پژوهش‌های نهج البلاغه، سال شانزدهم، شماره ۵۳.

قمی، علی بن ابراهیم، ۱۳۸۷، تفسیر القمی، تصحیح و تعلیق و تقدیم: سید طیب الموسوی الجزائری، قم، منشورات المكتبة الهدی، مؤسسه دار الكتاب للطباعة والنشر.

کلینی، ۱۳۶۷ش، کافی، تصحیح و تعلیق: علی اکبر غفاری، تهران، دار الکتب الاسلامیه.

مفید، ۱۴۱۴ق، الاختصاص، تحقیق: علی اکبر غفاری و سید محمود زرنندی، بیروت، دار المفید للطباعة والنشر والتوزیع.

میرحسینی، سیده صفیه و فلاح، ابراهیم، ۱۳۹۴، شیوه‌های مبارزه پیامبر ﷺ با فرهنگ جاهلی، قم، مؤسسه بوستان کتاب.

منتظری مقدم، حامد، ۱۳۸۴، «گونه‌های ازدواج در عصر جاهلی»، دوفصلنامه تاریخ در آینه پژوهش، شماره ۸.

نوری، یحیی، ۱۳۵۷، اسلام و عقاید و آرای بشری یا جاهلیت و اسلام، تهران، مجمع مطالعات و تحقیقات اسلامی.

نعمانی، ابن ابی زینب، ۱۴۲۲ق، الغیبة، تحقیق: فارس حسون کریم، قم، منشورات انوار الهدی.

یدالله‌پور، محمدهادی و یدالله‌پور، نسیم، ۱۳۹۲، واکاوی جاهلیت از منظر نهج البلاغه، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.





References

Holy Quran.

Nahj al-Balaghah, *the research of Sheikh Mohammad Abdo*, Qom, Dar al-Zakhaer, 1412.

Ibn Abi Shaibah, 1409 A. H, *al-Mosnaf*, research: Saeed al-Lahm, Beirut, Dar al-Fekr publications.

Ibn Salam, 1384, *Gharib al-Hadith*, research: Mohammad Abdol Moeed Khan, Beirut, Dar al Ketab al Arabi.

Ibn Sha'beh Harrani, 1404 A. H, *Tohfah al-Oqool*, revised by: Ali Akbar Ghaffari, Qom, Al-Nashr al-Eslami Institute.

Ibn Shahr Ashub, Mohammad Ibn Ali, *Manaqeb*, edited by: Hashem Rasouli and Mohammad Hossein Ashtiani, Qom, Allameh Publications.

Ibn Adai Jorjani, 1409 A. H, *Al-Kamal*, revised by: Yahya Mokhtar Ghazawi, Beirut, Dar al-Fekr publications.

Ibn Manzoor, Mohammad ibn Makram, 1426 A. H, *Lesan al-Arab*, by Yusef al-Bokaei, Ibrahim Shams al-Din and Nezal Ali, Beirut, Al-Alami.

Abolqasem Bakhshian, Mehr 1379, *"The role of ethnocentrism in the deviation of the Caliphate"*, Kousar magazine, No. 43.

Erbali, Ali bin Abi al-Fath, 1405 AH, *Kashf al-Ghamma fi Marefat al-Aima (AS)*, Beirut, Dar al-Azwa.

Ash'ari Qomi, Ahmad ibn Mohammad, 1408 A. H, *Al-Nawader*, Research: Madrasah al-Imam al-Mahdi (AS), Qom.

Amani, Mohammad Ali, 2013, *Arab Jaheli Traditions and the Method of Dealing with the Holy Quran*, Tehran, Imam Sadeq University Publications.

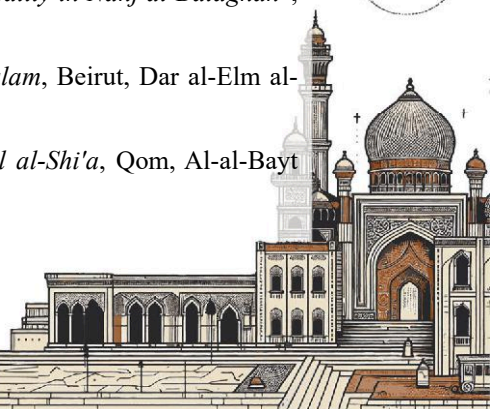
Izutsu, Toshihiko, 1378, *religious-ethical concepts in Qur'an*, translated by: Fereidun Badraei, Tehran, Farzan Publications.

Barqi, Ahmad ibn Mohammad, 1330, *Al-Mahasana*, Tehran, Dar al-Ketab al-Eslamiyah.

Barzegar, Ebrahim, Winter 2018, *"Tribal identity as a reality in Nahj al-Balaghah"*, Journal of National Studies, No. 40.

Javad Ali, 1976, *al-Mafsal fi Tarikh al-Arab qabl al Eslam*, Beirut, Dar al-Elm al-Malayin, Baghdad, Maktab al- Nehzah.

Horr Ameli, Mohammad ibn Hassan, 1414 A. H, *Vesal al-Shi'a*, Qom, Al-al-Bayt institute, Ehya al Torath.





Rawandi, Qotboddin, 1409 A. H, *Al-Kharaej va Al-Jarayeh*, research: Imam Al-Mahdi institute, under the supervision of Seyyed Mohammad Baqer Movahed Abtahi, Qom, Imam al-Mahdi institute.

Rabbani Golpayegani, Ali, autumn 2013, "*Analysis of the death of Jaheli and knowledge of Imam Zaman (AS)*", The Quarterly Journal of Expectation, Year 12, Number 38.

Ritzer, George, 1374, *Sociological theory in the contemporary era*, translation: Mohsen Talasi, Tehran, Elmi Publications.

Soleimani, Javad, Winter 2017, "*How and why the return to ignorance in the society after the Prophet (PBUH)*", Islamic Government Quarterly, No. 50.

Seyed Razi, *Punishment of Prophethood*, research and explanation: Taha Mohammad Al-Ziti, Qom, Maktab e- Basirat.

Seyed ibn Tawoos, 1415 A. H, *Iqbal Al-A'mal*, research: Javad Qayumi Esfahani, School of Islamic Studies.

Shazan Qomi, 1363, *Al-Fazael*, Qom, Al-Sharif Al-Razi publications.

Shoghi Zaif, *Age if ignorance*, Cairo, Dar al-Maaref.

Saduq, 1403 A. H, *Al-Khesal*, revised by: Ali Akbar Ghaffari, Qom, Al-Nashr al-Eslami institute.

Saduq, 1417, *Amali*, Research: Department of Islamic Studies at Al-Be'thah Institute, Qom, Al-Ba'th Institute.

Saduq, 1368, *Thavab ol A'maal*, Qom, Al-Sharif al- Razi.

Saduq, 1385, *Elal ol Shara'eh*, Najaf, Maktab Heidarieh publications.

Saduq, 1404 A. H, *Akhbar al -Oyun al- Reza (AS)*, Correction and Suspension: Sheikh Hussein Alami, Beirut, Al -Alam Institute.

Saduq, 1405 A. H, *Kamaloddin va Taman al Ne'mah*, revised by: Ali Akbar Ghaffari, Qom, Al -Nosrat al -Eslami Institute.

Saduq, 1379, *Ma'ani al-Akhbar*, revised by: Ali Akbar Ghaffari, Al Nashr al Eslami institute .

Saduq, *Man la Yahzarah al Faqih*, revised by: Ali Akbar Ghaffari, Qom, Al-Nashr al-Eslami Publications.

Sadeghi, Roqaayeh, spring 2012, "*Secrets and knowledge of Hajj: Jaheli Hajj - Mohammadi Hajj (pbuh)*", Miqat e- Hajj, No. 43.

Safari Forushani, Nematollah and Ghazikhani, Hossein, winter 2012, "*The Messenger of God and the management of succession*", Journal of Islamic History Studies, fifth year, number 19.





Tabarsi, Fazl ibn Hassan, 1377, *Majmah al- Bayan fi Tafsir al-Qur'an*, Tehran, Dar al-Marefah.

Tabarsi, Ahmad ibn Ali, 2016, *Al-Ehtejaj*, revised by: Seyed Mohammad Baqer Khorsan, Najaf, Dar Al-Nu'man Publications.

Tousi, 1363, *Al-Estebzar*, research: Seyed Hassan al-Mousavi al-Khorsan, Baanayyah Tama: Sheikh Mohammad Akhundi fi al-Tahih, Tehran, Dar al Ketab al-Eslamiyah.

Tousi, 1414 A. H, *Amali*, Research: Islamic Studies in Al-Ba'th Institute, Qom, Dar al-Taqfah publications.

Tousi, 1409 A. H, *Al -Tebyan fi Tafsir al -Qur'an*, Research and Correction: Ahmad Habib Qaser al -Aamli, School of Al -A'lam al -Eslami.

Tousi, 1365, *Tahzib al -Ahkam*, Research by: Seyed Hassan al -Mousavi al -Khorsan, Tehran, Dar al -Kotob al -Eslamiyah.

Ayashi, Mohammad Bin Masoud, *Tafsir Al-Ayashi*, research: Seyyed Hashem Rasouli Mahalati, Tehran, Maktab al Elmi al Eslamiyah.

Ali ibn al-Imam Jafar al-Sadeq (A.S.), 1409 A. H, *the problems of Ali ibn Ja'far*, research: Al-al-Bayt (A.S.) Institute for the Revival of the Heritage of Qom al-Musharafah, Mashhad, Al-Motamerah al-Alamiyah Imam al-Reza (A.S.).

Adeli Moghaddam, Mohammad Ali, Summer 2018, *"Deviations of Hajj Rituals in the Age of Ignorance"*, Miqat e- Hajj, 17th year, number 68.

Fayez, Qasem, 2013, *The Arab Jaheli image in view of Qur'an and Hadith*, Tehran, Elmi Farhangi publications.

Philip Hitt, 1366, *Tarikh e- Arab*, translation: Abolqasem Payandeh, Agah Publications.

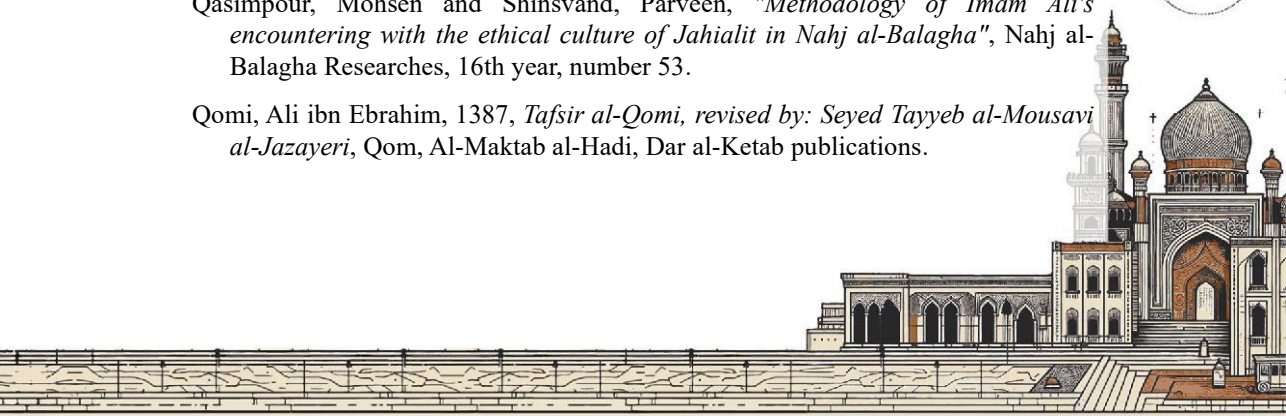
Qazi No'man Magheb, 1383, *Dua'em al-Eslam*, research: Asef ibn Ali Asghar Feizi, Cairo, Dar al-Maaref.

Qazi No'man Magheb, *Sharh al-Akhbar*, research: Seyyed Mohammad Hosseini Jalali, Qom, Nashr e-Eslami Institute.

Qayedan, Asqar, Farvardin and Ardibehesht 1376, *"Structure of tribal system from Jaheli era to the death of Prophet (PBUH)"*, Keyhan Farhangi magazine, No. 132.

Qasimpour, Mohsen and Shinsvand, Parveen, *"Methodology of Imam Ali's encountering with the ethical culture of Jahialit in Nahj al-Balagha"*, Nahj al-Balagha Researches, 16th year, number 53.

Qomi, Ali ibn Ebrahim, 1387, *Tafsir al-Qomi*, revised by: Seyed Tayyeb al-Mousavi al-Jazayeri, Qom, Al-Maktab al-Hadi, Dar al-Ketab publications.





Koleini, 1367, *Kafi*, revised by: Ali Akbar Ghaffari, Tehran, Dar al-Ketab al-Eslamiyah.

Mofid, 1414 A. H, *Al-Khtesas*, research: Ali Akbar Ghaffari and Seyed Mahmoud Zarandi, Beirut, Dar al-Mofid publications.

Mir Hosseini, Seyeh Safiyeh and Fallah, Ebrahim, 2014, *The How of Prophet (PBUH) Dealing with Jaheli culture*, Qom, Bustan Ketab Institute.

Montazeri Moghadam, Hamed, 2014, *"Types of Marriage in the Age of Ignorance"*, biannual book of history in the mirror of research, number 8.

Nouri, Yahya, 1357, *Islam and Human Opinions or Ignorance and Islam*, Tehran, Islamic Studies and Research Forum.

No'mani, Ibn Abi Zeinab, 1422 A. H, *Al-Gheibah*, research: Fars Hasson Karim, Qom, Anwar al-Hadi institute.

Yadollahpour, Mohammad Hadi and Yadollahpour, Nasibah, 2012, *Analysis of Ignorance from the perspective of Nahj al-Balagha*, Tehran, Farhang e- Eslami publications.



